

## حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه

مجتبی مروت<sup>§</sup>

### چکیده

با اذعان به اینکه کودک، به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه در زمان بحران و اضطراب نیز رشد و نمو می‌کند، حمایت‌های حقوقی در اسناد بین‌المللی و عمدتاً در دو روند حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، ذکر شده است. این حمایتها بر دو دسته‌اند: حمایت عام و حمایت خاص، حمایت عام شامل اصول بنیادینی، مانند اصل تناسب و اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان، ممنوعیت حملات کورکورانه، اعلام خطر، تخلیه، اسکان، ارائه خدمات بهداشتی و بیمارستانی و غیر آنهاست. مکمل این حمایت عام، حمایت ویژه از کودکان است که عمدتاً شامل ممنوعیت استخدام و به کارگیری کودکان در نیروهای مسلح، حفظ سلامت جسمی و روحی کودکان، حق امنیت و مصونیت از بازداشت و توقیف و حبس، حقوق خانوادگی، حقوق آموزشی و فرهنگی، حقوق مرتبط با کودکان پناهنده و آواره، دادرسی ویژه و عادلانه، تابعیت، ممنوعیت بردگی و کار اجباری است. در این مسیر حمایتی، به اسناد بین‌المللی و نهادهای مرتبط اشاره می‌شود تا ذهن آدمی را به «کرامت ذاتی انسان» معطوف نماید. همچنین با بررسی متون موجود، به تعاملات و مناسبات متقابل میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بیشتر پی خواهیم برد و در خواهیم یافت که «کودک» از جمله موضوعاتی است که ارتباط تنگاتنگ حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: کودکان، جنگ، حقوق بشر دوستانه، حمایت، نهادهای بین‌المللی، سربازگیری، سلامت، امنیت، آموزش، کودکان پناهنده و آواره.

## مقدمه

وقوع جنگ آثار و لطمات زیادی بر انسان، اموال وی و حتی محیط زیست بر جای می‌گذارد. امروزه همسایه با همسایه، هموطن با هموطن می‌جنگد؛ دهکده‌ها صحنه کشتار شده است؛ مردم غیر نظامی هدف اصلی کشتار هستند و امروزه بیش از ۹۰ درصد قربانیان غیر نظامی هستند.<sup>۱</sup> با بروز جنگها، همیشه این مسأله مطرح بوده است که آثار آنها باید تلطیف گردد، و از جمله اقدامات صورت گرفته در این زمینه، حمایت از افراد غیر نظامی به طور کلی و حمایت از کودکان و زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر به طور جزئی و خاص است. واقعیتها نشان می‌دهند که کودکان در جنگها «تنها تماشاچی نیستند، بلکه عمداً مورد هدف قرار می‌گیرند...؛ به عنوان سرباز از آنها بهره‌کشی می‌شود، از گرسنگی تا سر حد مرگ پیش می‌روند و در معرض حداکثر بی‌رحمی قرار می‌گیرند»<sup>۲</sup>. بنابر گزارش یونیسف تا سال ۲۰۰۲ «از ۳۵ میلیون مردم پناهنده و متوازی در جهان ۸۰ درصد را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند؛ بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به دلیل مناقشات مسلحانه دو میلیون کودک قتل عام شدند، ۶ میلیون کودک زخمی یا معلول مادام‌العمر و ۱۲ میلیون کودک بی‌خانمان گردیدند... حداقل ۳۰۰۰۰۰ کودک سرباز در ۳۰ کشور فعالیت می‌کنند. مناقشات مسلحانه در آخرین دهه قرن ۲۰ بیش از یک میلیون کودک را یتیم و از خانواده‌های خود جدا کرده است.»<sup>۳</sup> علاوه بر اینها، کودکان و زنان مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و از آنها برای کارهای سخت و زیان‌آور در عرصه نبرد استفاده می‌شود که صدها صدمه جسمی، روحی، روانی و اجتماعی بسیار شدیدی برای آنان به دنبال دارد. برای مثال، در سالهای اخیر در کشورهای مختلفی مانند بوسنی، کامبوج، هائیتی، پرو، سومالی و اوگاندا تجاوزهای دسته جمعی به زنان و کودکان به اثبات رسیده است.<sup>۴</sup> از سوی دیگر، به موازات پیشرفت علوم و فنون، جنگها و مخاصمات نیز گسترده‌تر و مدرن‌تر گردیده است، به طوری که می‌توان ادعا نمود که برخی از پیشرفتهای علمی و تکنیکی امروز علیه انسان و در

۱. کودکان در جنگ، مصاحبه بی‌بی‌سی با نماینده ویژه سازمان ملل متحد، مترجم مهران داودی، و هومن

۱۳۷۸/۴/۶.

۲. کودکان و خشونت، انتشارات یونیسف، مرکز بین‌المللی رشد کودک، گزارش، ۱۳۷۵، ص ۹.

۳. وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۲، مترجم هادی غبرایی، انتشارات یونیسف، ۱۳۸۱، ص ۴۲.

۴. جولی مرتوس، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، مترجم فریبرز مجیدی، چاپ اول، تهران، دنیای

مادر، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶.

جهت از بین بردن اوست؛ وجود سلاحهای سبک و سنگین پیشرفته، آسان و سهل الوصول، سلاحهای بیولوژیک، شیمیایی، لیزری و مینهای زمینی و ضد نفر، همگی در جهت محو و نابودی انسان و نادیده انگاشتن کرامت ذاتی وی است و این خطر بالقوه همواره در کمین انسانهاست. با نگاهی گذرا به تاریخ بشریت ملاحظه می‌کنیم که منطق و قاعده این بوده است که نه فقط نیروی نظامی، بلکه هر چیزی که توان دشمن را افزایش می‌دهد، از جمله مردم عادی، زنان و کودکان و ساکنان سرزمین دشمن را باید نابود کرد و این چیزی نبود جز عمل به قانون که «دربارۀ دشمن، هر آنچه بدی هست و می‌توانی روا بداری»<sup>۱</sup> با این طرز تفکر که وارد تاریخ جوامع انسانی شویم، بتدریج قواعد، مقررات و اصولی به وجود آمد که خواستار کاستن از آلام ناشی از جنگها و به منظور حمایت از افراد انسانی، بویژه غیر نظامیان بود. این قواعد و اصول کم‌کم ریشه عرفی پیدا کرد و در قرن بیستم، همگام با اندیشهٔ تدوین مقررات مربوط به حقوق بشر، در قالب تعهدات قراردادی در حقوق بشردوستانه میان کشورها مطرح گردید؛ چنانکه کنوانسیونهای چهارگانهٔ ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ را می‌توان ثمرهٔ تاریخ بشریت در دستیابی به حمایت از انسان و اموال وی و تلطیف آثار جنگ دانست. اندیشهٔ تدوین حقوق بین‌الملل جنگ و درخواست برای انسانی کردن جنگ از طریق متعادل ساختن «ضرورت نظامی»<sup>۲</sup> و به کارگیری اصولی مانند «تمایز و تناسب»<sup>۳</sup> اصل محدودیت و اصل حسن نیت، همگی مؤید این مطلب است.

با این توجه به مراتب فوق و آثار زیانبار وقوع جنگها نسبت به غیر نظامیان، بویژه کودکان در این مقاله در پی پاسخ دادن به این سئوالها خواهیم بود که اصولاً حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه چیست، آنها از چه حمایتی برخوردارند، اسناد موجود و نهادهای مرتبط کدامند و چه

۱. کمیتهٔ ملی حقوق بشردوستانه، بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چاپ اول (تهران، نشر سرشوم، ۱۳۸۱) ص ۱۴۹.

## 2. Military Necessity

۳. اصل تمایز (Distinction) متخاصمان را به تمایز بین «هدفهای نظامی و غیر نظامی» و صرفاً حمله به اهداف نظامی ملزم می‌کند. اصل تناسب (Proportionality) متخاصمان را به خودداری از ایراد خسارت غیر متناسب به منظور برتری نظامی که باید حاصل و عاید گردد، ملزم می‌کند. بنابر اظهارنظر دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۹۰ رأی مشورتی ۱۹۹۶ در مورد کاربرد سلاحهای هسته‌ای، دو اصل تفکیک و تناسب اصول اساسی (Cardinal) حقوق بشردوستانه می‌باشند. برای مطالعه بیشتر رک: حسین شریفی طرازکوهی، مجموعه مقالات حقوق جنگ، چاپ اول (تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۵) ص ۲۴.

اقدامات در زمینه حفظ و نگهداری از کودکان در شرایط بحرانی و جنگ انجام می‌گیرد؟  
پیش از هر چیز لازم است تعریفی از کودک ارائه کنیم و براساس آن، به برشماری حقوق و اسناد بین‌المللی بپردازیم:

## ۱. تعریف کودک

از کودک، از زوایای مختلف، مانند دیدگاه روانشناسی، پزشکی، حقوق و... می‌توان تعریف ارائه نمود. آنچه ما در اینجا در پی آنیم، این است که تعریف کودک را از منظر اسناد بین‌المللی - اعم از اسناد حقوق بشری و اسناد حقوق بشر دوستانه - مشخص نماییم، در واقع می‌خواهیم به یک تعریف بین‌المللی از کودک برسیم: مستنداً به ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، منظور از کودک «افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود<sup>۱</sup>». براساس این تعریف، اولاً حقوق حمایتی کودکان اصولاً افراد انسانی زیر ۱۸ سال اعم از دختران و پسران را در بر دارد؛ ثانیاً بند دوم ماده یک، کشورها را مجاز می‌داند که در قوانین ملی خود سن بلوغ را کمتر از سن ۱۸ سال ملاک خود بدانند؛ برای مثال، ۱۵ یا ۱۷ سال. ممکن است در این خصوص بیان گردد که سن ۱۸ سال قابل تسری به عرصه مناصمات نیست، چرا که با مراجعه به اسناد حقوق بشر دوستانه مخصوصاً کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مستفاد می‌گردد که سن زیر ۱۵ سال در زمره کودکان قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که در حقوق بشر دوستانه، اصولاً ملاک سنی حمایت خاص از کودکان افراد کمتر از ۱۵ سال هستند؛ هر چند استثنائاتی نیز بر آن وارد است؛ از جمله سن ۱۲ سال برای داشتن پلاک و سن ۱۸ سال برای اجرای مجازات اعدام. مؤید این مدعا موادی از کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ است. برای نمونه مواد ۵، ۲۴، ۳۸ و ۸۹ حاوی مقرراتی در خصوص اقدامات ممتاز برای اطفال کمتر از ۱۵ سال و اضافه غذایی برای اطفال کمتر از ۱۵ سال می‌باشند. علاوه بر آن در پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، در بند ۲ ماده ۷ سخن از ممنوعیت شرکت مستقیم کودکانی است که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند و بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی اولویت با افرادی است که سن بیشتری را دارند که مشابه این ماده در ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک

۱. اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج اول، (تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱)

۱۹۸۹ انعکاس یافته است.<sup>۱</sup> در نتیجه، هر چند در اسناد حقوق بشر دوستانه به تعریف مشخص و مستقیمی از کودک، همانند کنوانسیون حقوق کودک دست نمی‌یابیم، ولی با مراجعه به مواد مختلف و روح کلی حاکم بر آن، می‌توانیم چنین استنباط نماییم که کودک افراد انسانی زیر ۱۵ سال هستند، مگر در موارد تصریح شده که سن بیشتر یا کمتری ملاک قرار گیرد. در این میان، افراد انسانی زیر ۱۵ سال شامل پسران، دختران، معلولان، مجروحان و یتیمان است که همگی از حمایت خاص زمان مناقشه مسلحانه بهره‌مند هستند و در بهره‌مندی از حقوق بشر دوستانه و حمایت حقوقی از آنها هیچ گونه تبعیضی نباید اعمال گردد و رنگ، نژاد، زبان، ملیت، ولادت، منشأ اجتماعی و... ملاک تبعیض در میان کودکان نخواهد بود. شایان ذکر است که پروتکل سال ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد شمول مخاصمات علیه کودکان در مورد سربازگیری و بازپروری جسمی و روحی آن، سن ۱۸ سال را - مانند معاهده حقوق کودک - در نظر گرفته است که به دلیل اقتضای سن کودکان، در نظر گرفتن واقعیت‌های زندگی اجتماعی کودکان، حفظ تعداد بیشتر افراد انسانی از بلایای جنگها و همسویی با معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹، حقوق حمایتی نیز افزایش یافته است. به همین جهت، در حقوق بشر دوستانه در مورد سربازگیری و شرکت مستقیم کودکان در عرصه مخاصمه، این سند تا به امروز جزو مهمترین اسناد به شمار می‌رود، زیرا سن ۱۵ سال را به ۱۸ سالگی تبدیل نموده است.

## ۲. قلمرو و محدوده حمایت از کودکان

پس از اینکه دانستیم کودک به چه شخصی اطلاق می‌گردد، لازم است به منزله ورود به بحث، به تعریف حقوق بشر دوستانه استناد کنیم که منظور از آن «قواعد موجد حق و تکلیفی است که در طول مناقشه و در هر مکانی که دایره تخصص وجود داشته باشد، مجری خواهد بود»<sup>۲</sup> بنابراین، فارغ از اینکه جنگ داخلی باشد یا وصف بین‌المللی داشته باشد، کودکان از حمایت خاص مقرر

۱. ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: «... ۲ - کشورهای طرف معاهده هرگونه اقدام عملی را در جهت تضمین اینکه افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات مستقیماً شرکت نکنند، معمول خواهند داشت. ۳ - کشورهای طرف معاهده از استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلخ خود خودداری خواهند کرد. این کشورها برای استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به بزرگترها خواهند داد...»  
۲. محمدرضا ضیائی بیگدلی، جزوه درسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و مسؤولیت در قبال نقض آن، کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۵.

در اسناد بهره‌مند هستند و هر جا که حقوق بیشتری برای آنها در نظر گرفته شده باشد، همانها ملاک کار و معتبر خواهند بود. در این خصوص، به عنوان شاهد مثال، می‌توان با استناد به کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و حقوق مصرح در آن، از جمله مواد ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۶۸، ۷۹، ۸۹ و ۱۳۳ دریافت که اصولاً صحبت از مکان درگیری نیست و علاوه بر آن، در پروتکل شماره یک ۱۹۹۷ در عرصهٔ مخاصمات بین‌المللی در مواد ۷۰، ۷۷ و ۷۸ به مسألهٔ حمایت از کودکان به طور مجزی پرداخته شده است و در پروتکل دوم ۱۹۹۷ در عرصهٔ مخاصمات غیر بین‌المللی نیز در مواد ۴ و ۶ به همین صورت، حقوقی برای کودکان در نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر، براساس مواد ۱ و ۲ کنوانسیون چهارم ژنو «دولتهای معظم متعاقد تعهد می‌کنند که این قرارداد را در همهٔ احوال محترم شمرده و اتباع را به احترام آن وادارند.» و «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، این قرارداد در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلان شده باشد یا هرگونه نزاع مسلحانه که بین دو یا چند دولت معظم متعاقد بروز کند، اجرا خواهد شد...»<sup>۱</sup> برای مثال، آموزش حقوق بشردوستانه در زمان صلح بویژه برای افراد نظامی و تفکیک میان اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی از یکدیگر یا اشغال سرزمینی از جمله این مصادیق هستند. بنابراین، در هر زمانی و در هر مکانی که به نوعی وضعیت بحرانی تخصم به وجود آید، بلافاصله حقوق حمایتی مطرح شده در این اسناد جلوه‌گر و جزء اولین قواعد انسان دوستانه مطرح می‌شوند.

### ۳. شیوه‌های حمایت از کودکان

از آنجا که بیشترین صدمات ناشی از جنگ متوجه زنان و کودکان می‌شود؛ به طوری که بی‌خانمانی، بی‌سرپرستی، محرومیت از آموزش، سوء استفادهٔ جنسی، سوء تغذیه، سرپنازگیری، قحطی و بیماری، مین‌های زمینی و... خطراتی هستند که همزمان با جنگ، کودکان را به صورت بالقوه یا بالفعل تهدید می‌کنند، به همین جهت، نهادهای انسان دوستانه، دولتها و تودهٔ مردم را به فکر حمایتهایی از کودکان و دوری از صحنهٔ نبرد و در امان بودن از آثار و نتایج جنگها واداشته است و در واقع، تبعیض مثبت بر آنها وارد شده است. در این راستا، قبل از هر چیز باید مفهوم و

۱. کمیتهٔ ملی حقوق بشردوستانه، آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چاپ اول، (تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱) ص ۱۴۸.

انواع حمایت را بدانیم:

### ۳-۱. مفهوم حمایت

اساساً حقوق بشردوستانه، حقوقی است حمایتی و برای حراست از شأن و کرامت ذاتی آدمی در زمان مخاصمه است. بنابراین، اگر بگوییم واژه «حمایت»<sup>۱</sup> قلب حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم و انواع تعهدات مقرر در اسناد مربوطه، با هر کلمه یا عبارتی که آمده باشند، مفهوم و جوهره اساسی آن اعمال همین حمایت است. حمایت در معنای اخص نیز، در امان قراردادن سکنه غیرنظامی از عملیات جنگی است و شامل تعهدات سلبی یا ایجابی، مانند حمله نبردن به سکنه غیرنظامی، نترساندن آنها، و تخریب نکردن اموالشان است.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، حمایت عام بدین معناست که بدون توجه به خصوصیات فردی، شغلی، جنسی، نژادی و... این حمایت شامل تمام افراد بشر است و کلیه فعالیت‌های بشردوستانه‌ای را که هدفشان، حفاظت از جمعیت غیرنظامی در برابر مناقشات مسلحانه و کمک در جهت از بین بردن آثار آن و کمک به زیست بعدی است، دربرمی‌گیرد. این حمایت، جمع حق است؛ یعنی حقوقی که عامه افراد در طول دوران جنگ و درگیری از آن برخوردارند، حال آنکه حمایت خاص به حمایت از گروه‌های انسانی که در طبقه خاص هستند، مثل زنان، کودکان، پناهندگان، روزنامه‌نگاران سالخودگان، معلولان و... اطلاق می‌گردد که نوعی حمایت تکمیلی و اضافی است.<sup>۳</sup>

### ۳-۲. انواع حمایت

برای کودکان همانند سایر غیرنظامیان می‌توان سه نوع حمایت عمده را مطرح نمود:

#### ۳-۲-۱. حمایت فنی: در این خصوص به استفاده از وسایل فنی اشاره می‌شود؛ مانند توزیع

ماسک‌های گاز، ساخت پناهگاه‌ها علیه حمله‌های هوایی یا بمباران اتمی، ساخت پرورشگاه‌ها

#### 1. Protection

۲. کمیته حقوق بشردوستانه، بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص ۱۵۴.

۳. محمدرضا ضیائی بیگدلی، همان منبع، ص ۱۰. همچنین برای اطلاع بیشتر ر.ک. مجتبی مروت، نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از قربانیان جنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۲۴.

جهت اسکان کودکان جدا شده از خانواده، انتقال کودکان به مناطق دور از دسترس دشمن و سایر موارد. اما باید دانست که به دلیل ماهیت غیر قابل پیش‌بینی حمله دشمن و نامشخص بودن ابزار و وسایل مورد استفاده دشمن یا اولویت‌های نظامی، این گونه حمایت ممکن است کارایی چندانی نداشته باشد.<sup>۱</sup> بنابراین، هر چند وجود حمایت فنی لازم است، ولی برای نیل به مقصود کافی نیست.

۲-۲-۳. حمایت نظارتی: نظارت بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های آن، امدادسانی به افراد درگیر در مناقشه، ترویج حقوق بشردوستانه توسط نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی آن و به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از یک سو و وظایف کمیته حقوق کودک که براساس ماده ۴۳ کنوانسیون حقوق کودک تأسیس شده است و بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ نظارت می‌نماید از سوی دیگر، موجب گردیده است که بر وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه به صورت مسأله‌ای جداگانه و بسیار جدی نگریسته شود، زیرا کمیته حقوق کودک با دریافت گزارشها از دولتهای عضو معاهده حقوق کودک و مشورت با سایر سازمانهای تخصصی به اقدامات قانونگذاری، اداری، اجرایی و قضایی کشورهای عضو نظارت می‌نماید و تدابیری که دولتها در جهت حفظ و حراست از کودکان در مخاصمه به عهده گرفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین به اقدامات پیشگیرانه آنها استناد می‌کند و زمینه را برای تفسیر مفاد کنوانسیون آماده می‌نماید.<sup>۲</sup> در کنار این دو نهاد اصلی، سایر ارگانهای ملی یا بین‌المللی، از جمله شورای امنیت، صندوق کودکان ملل متحد، کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، سازمانهای غیردولتی کشور متخاصم و افکار عمومی را نیز می‌توان اضافه کرد.

۳-۲-۳. حمایت حقوقی: در زمینه حمایت حقوقی از کودکان باید گفت که به طور کلی، در دو روند، یعنی در قالب حمایت خاص از غیر نظامیان در حقوق بشردوستانه بین‌المللی از یک سو و از طرف دیگر، در اسناد بین‌المللی که در جهت ترویج و حمایت حقوق انسانی کودکان - اعم از زمان صلح و زمان جنگ - وجود دارند، حمایت حقوقی از کودکان به چشم می‌خورد.

۱. محمدرضا ضیائی بیگدنی، حقوق جنگ، چاپ دوم، (تهران، دانشگاه علامه طباطبائی)، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲.  
 2. <http://www.un.org/humanrights/treaties/bodiesdebase/document/generalcomment.html>.



سخن مشترک در هر دو پروسه «حفظ و حمایت از منافع کودکان و جلوگیری از ایراد صدمه روحی و جسمی، فردی و اجتماعی به زندگی آنهاست.» بنابراین، حمایت حقوقی را به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

### ۱-۲-۳. اسناد مرتبط با حقوق انسانی کودکان

اسناد حقوق بشری به مسأله حمایت از کودکان توجه خاصی مبذول داشته‌اند، به طوری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و سپس در میثاقین ۱۹۶۶ ماده‌ای را به این امر اختصاص داده‌اند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از کودکان حفاظت می‌نماید.<sup>۱</sup> بنابراین، در حقوق بشر عام، مسأله «حمایت از کودک»، بویژه حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی در مقابل استثمار، سوء استفاده جنسی، اشتغال، قاچاق و... نمایانگر است. اسناد ذیل به روشنی گویای این مطلب هستند: اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ که سنگ بنا و پایه فعالیت‌های سازمان ملل و زمینه ساز تهیه و تدوین اسناد بعد از آن است، در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید که در نتیجه آن، یک مقدمه و ۱۰ اصل تصویب گردید. متعاقب آن، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به وجود آمد که این معاهده تا تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳ شامل ۱۹۲ کشور می‌باشد.<sup>۲</sup> در مواد ۳۸ و ۳۹ این سند مقرراتی در خصوص احترام به مقررات حقوق بشر دوستانه به وجود آمده است که به ارتباط تنگاتنگ میان حوزه‌های حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه نیز اشاره دارند. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰، تلاش بیشتر کشورهای آفریقایی در جهت مبارزه با نقض حقوق حمایتی کودکان است و در ماده ۱۲ این سند، مقررات مشابه کنوانسیون حقوق کودک وجود دارد. مقاله نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار در خصوص بدترین اشکال کار کودکان، در مواد ۱ و ۳ خود به مسأله سربازگیری اجباری کودکان اشاره نموده است. سند بعدی پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، درباره کودکان درگیر در مناقشات مسلحانه مصوب ۲۰۰۰ است که در فوریه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. این سند تا تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳ شامل ۶۶ عضو بوده است<sup>۳</sup> و در مورد شرکت مستقیم کودکان در مخاصمات و سربازگیری کودکان در جنگ، سربازگیری داوطلبانه، گروه‌های درگیر و بازپروری جسمی و

۱. ر.ک: ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۹۶.

بند ۶ ماده ۵ و ماده ۲۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.

2. <http://www.unhcr.ch/html/menu2/6/erc>.

3. <http://www.unhcr.ch/html/menu2/6/operc>.

روحی کودکان، حاوی تعهداتی برای دولت‌ها و حقوقی برای کودکان است.<sup>۱</sup>

### ۲-۳-۲. اسناد مرتبط با حقوق بشردوستانه

همان‌طور که قبلاً بیان نمودیم، در حقوق بشردوستانه مهمترین اسناد، کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی به آن در ۱۹۷۷ هستند که ریشه در مقررات عرفی و مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه داشتند. در این میان، کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ که در رابطه با رفتار با زندانیان جنگی است، در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در کنفرانس سیاسی در ژنو به تصویب رسید. در این سند، در ماده ۱۶ از معامله ممتاز نسبت به درجه و سن اسیران و در ماده ۴۹، از به کار گماردن اسیران جنگی سالم با رعایت سن و درجه و استعداد جسمانی سخن به میان آمده است. در همان تاریخ، در کنفرانس دیپلماتیک، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، درخصوص حمایت از غیرنظامیان به تصویب رسید.<sup>۲</sup> در قسمت دوم این کنوانسیون، حمایت کلی از اهالی در مقابل بعضی از اثرات جنگ به چشم می‌خورد که برای مثال ایجاد نقاط بهداری و امنیت، تخلیه بیمارستان، زخمیداران، معلولان و زنان تازه از نواحی محاصره، حمایت از بیمارستانها، حمل و نقل زخمیداران، بیمارستان و ناوهای هوایی حمل و نقل آنها و... در قالب این حمایت عام قرار دارد. قسمت سوم این سند، به وضع اشخاص مورد حمایت و معامله با آنان اختصاص داده شده است و به مسأله خارجیان و اراضی اشغال شده، اشاره گردیده است و در بخش چهارم آن نیز به قواعد مربوط به رفتار با بازداشتیان - اعم از اماکن بازداشت، غذا، پوشاک، بهداشت، انتقال آنها و سایر موارد مشابه - تصریح شده است. افزودن بر این موارد، در قالب حمایت حقوقی، در برخی از موارد به طور خاص نیز به کودکان توجه ویژه‌ای شده است و حقوقی را اضافه بر سایر غیرنظامیان برای آنها در نظر گرفته است. پس از کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، به پروتکل اول الحاقی به آنها می‌رسیم که نقطه عطف تلاشهای حقوق بشردوستانه‌ای است که درخصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در قالب این سند در سال ۱۹۷۷ به تصویب رسید. در این سند، ضمن تشریح موارد حمایت از غیرنظامیان، مجروحان، بیمارستان و غریبان،

۱. باید خاطر نشان نمود که جمهوری اسلامی ایران هر چند کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک را طی ماده واحده در سال ۱۳۷۳ مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار داده است ولی تاکنون به پروتکل الحاقی ۲۰۰۰ ملحق نگردیده است.

۲. کمیته ملی حقوق بشردوستانه، آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص ۱۴۷.

ترابری، بهداشتی، شیوه‌ها و وسایل رزمندگان و وضعیت اسیران جنگی، در قسمت چهارم به مسأله ساکنان غیرنظامی و به حمایت کلی در برابر اثرات مخاصمه اشاره شده است. اصل کلی در این سند این است که باید میان ساکنان غیرنظامی و رزمندگان و اموال و اهداف نظامی از غیر نظامی تفکیک و تمایز صورت گیرد. در موارد ۷۷ و ۷۸ این پروتکل به کودکان توجه ویژه‌ای شده است.<sup>۱</sup> پروتکل دوم الحاقی به مقررات ژنو ۱۹۴۹ که توسعه و تکمیل ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو است، در ۱۹۹۷ درخصوص مخاصمات غیر بین‌المللی - اعم از آشوبها، بحرانهای داخلی، اعمال تعرض آمیز انفرادی و پراکنده و به طور کلی مخاصمه در قلمرو یک کشور عضو - می‌باشد. در این سند مواد ۳ و ۶ برخورد انسانی ویژه با کودکان و ضمانت اجراهای کیفری شایان ذکر است.<sup>۲</sup> اسناد دیگری نیز از جمله قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل نیز به حمایت از غیرنظامیان و کودکان پرداخته‌اند. برای نمونه، در قطعنامه‌های ۲۲۴ (XXIII) ۱۹ دسامبر ۱۹۶۸ و ۲۵۹۷ (XXIV) ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ و ۲۶۷۴ (XXV) و ۲۶۷۵ (XXV) ۹ دسامبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی موضوع حمایت از حقوق بشر و اصول بنیادین راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه اشاره شده است. علاوه بر آن، شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه‌های متعددی از جمله قطعنامه ۱۲۶۱ در ۱۹۹۵ در مورد حمله به مراکز مورد حمایت بین‌المللی مانند مکانهای تجمع کودکان، مدارس و بیمارستانها، قطعنامه ۱۲۶۱ مورخ ۲۵ اوت ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۳۱۴ مورخ ۱۱ اوت ۲۰۰۰، قطعنامه ۱۳۷۹ در ۲۰۰۱ بر حمایت از کودکان درگیر مخاصمات مسلحانه تأکید نموده است و نیز طی قطعنامه ۱۴۶۰ مورخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ با تأکید بر اسناد و منابع قبلی در مورد حمایت از کودکان، بر نظارت دبیر کل راجع به رعایت این اسناد و همچنین رعایت حقوق کودکان در عملیات حفظ و تحکیم صلح سازمان ملل اشاره می‌کند و اخیراً نیز با صدور قطعنامه ۱۵۳۹ در ۲۰۰۴ به مسأله وضعیت کودکان در جنگ توجه ویژه‌ای نموده است.<sup>۳</sup>

۱. کمیته ملی حقوق بشردوستانه، همان کتاب، ص ۲۱۶.

۲. دولت ایران در تاریخ ۳ / ۹ / ۱۳۴۲ مجلس شورای ملی وقت، قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادها و چهارگانه ژنو معروف به ژنو مصوب ۱۳۳۴ را تصویب ولیکن پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ تنها توسط دولت وقت ایران به امضاء رسید و تاکنون به تصویب مجلس نرسیده است.

۳. برای سلاخه بیشتر اسناد بین‌المللی، ر.ک: منوچهر توسلی نائینی، جنگ و حقوق کودکان آوازه و بی‌سربست، ندای صادق، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۲، صص ۴۳ - ۴۵، همچنین رجوع شود به:

Resolution 1460 (2003) Adopted by security council to his 469 e meeting, January 30,

در قطعنامه شماره ۹ بیست و پنجمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو در اکتبر ۱۹۸۶ نیز صراحتاً از کودکان و حمایت از آنها سخن به میان آمده است.

در قالب حمایت حقوقی لازم است به ذکر اسنادی نیز پردازیم که برای حقوق بشردوستانه قابل به ضمانت اجرا هستند و مسأله مسؤلیت را مطرح می‌نمایند:

الف) اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، مصوب ۱۹۹۳ که در ماده ۴ در تعریف ژنو سایید آمده است: «ژنو سایید به معنی انتقال اجباری... کودکان یک سرزمین یا گروه قومی، نژادی و مذهبی و سایر گروهها، به منظور تخریب تمام یا بخشی از آن گروه مزبور».

ب) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا، مصوب ۱۹۹۴ که در ماده ۲ در تعریف ژنو سایید از تعریف فوق‌الذکر استفاده گردیده است.

ج) اساسنامه رم یا اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، مصوب ۱۹۹۸: در ماده ۶ ضمن پذیرش تعریف دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا در خصوص تعریف ژنو سایید در ماده ۸ خود به جرایم جنگی می‌پردازد و شرکت کودکان زیر ۱۵ سال را در مخاصمات مسلحانه داخلی «جنایت جنگی» تلقی می‌کند.<sup>۱</sup> نکته دیگری که در خصوص حمایت حقوقی باید به خاطر داشت، این است که ارائه گزارش، گزارشگران ویژه سازمان ملل از جمله گزارش خانم ماشل درباره تأثیر در مناقشات مسلحانه بر کودکان «گزارش شماره ۳۶ / ۵۱ / ۸ / ۱۹۹۶» و گزارش نماینده ویژه دبیرکل برای کودکان و مناقشات مسلحانه<sup>۲</sup>، گزارشهای ارائه شده به کمیته حقوق کودک در ارتباط با وسایل و ابزار اتخاذ شده در مسیر ارتقای حقوق کودکان در جنگ، تفاسیر کلی کمیته و توصیه‌های آن به کشورها، زمینه را برای تنویر افکار عمومی و اقدامات راهبردی سازمانهای

2003 and resolutions 1265 (1999) of September 17, 1999, 1296 (2000) of April 19, 2000, 1369 (2000) of July 5, 2000, 1308 (2000) of July 17, 2000 and 1325 (2000) of October 31, 2000, and resolution adopted by the Security Council in 1999: Children and wars, Security Council, UNO, 25/08/1999.

۱. منوچهر توسلی نایینی. همان منبع، ص ۴۶.

۲. رک: گزارشی که توسط دبیرکل براساس بخش دوم قطعنامه ۷۷ / ۵۱ مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی تهیه و تنظیم گردیده و در خصوص جنگ، کودکان و تأثیراتی است که جنگ بر موقعیت کودکان دارد و همچنین رک: گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در سومین اجلاس کمیته تدارکاتی درباره کودکان ژوئن ۲۰۰۱؛ و رک: برنامه اقدام برای پیشگیری، مبارزه و ریشه کن کردن تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاحهای سبک در همه جنبه‌های آن، مصوب کنفرانس ملل متحد، نیویورک، ۲۰ - ۹ ژوئیه ۲۰۰۱، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.

غیردولتی فراهم نموده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. نهادهای اصلی مرتبط با وضعیت کودکان در جنگها

اصولاً در دنیای امروز با پیشرفتهای حاصل شده در حقوق بین‌الملل نوین، نهادهای ملی و بین‌المللی زیادی درخصوص ارتقای حقوق کودک - چه در زمان صلح و چه در زمان مخاصمه - فعالیت دارند. این نهادهای دولتی یا غیردولتی، ملی یا فراملی، زمینه‌سازی تصویب اسناد مختلف یا نظارت بر مفاد آنها را به عهده دارند:

دولتها مسئولیت ابتدایی حفاظت از کودکان و اعمال عرفهای منطقه‌ای و بین‌المللی را بر دوش دارند. دولت می‌تواند با برگزاری کنفرانسهایی از پایتخت کشورهای طرف درگیری، با رهبران سیاسی و دولتی، درخصوص تعیین وضعیت غیرنظامیان، بویژه کودکان، اقدامات مشورتی، تقنینی، اجرایی و قضایی انجام دهد. دولت در عین حالی که نقش حمایت‌کننده از کودکان در زمان جنگ به عهده دارد، می‌تواند ناقض حقوق آنان نیز باشد. بنابراین، مسئولیت اولیه متوجه اوست. این، دولت است که با تأسیس اماکن غیرنظامی و بی‌دفاع در جهت اسکان کودکان، پناهندگان و آوارگان جنگی فعالیت می‌کند. همچنین فرماندهان نظامی دولتها، سران و مقامات کشوری و لشکری هستند که به عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب مراجع داخلی یا بین‌المللی قرار می‌گیرند. دولتها مسأله آموزش حقوق بشردوستانه را در میان کادر نظامی خود توسعه و ترویج می‌کنند، به امر سربازگیری و شرکت مستقیم کودکان در جنگ یا کسب اخبار و اطلاعات برای جاسوسی از دشمن همت می‌گمارند و سیاستهای خود را در جهت نیل به اصل «بقا» اعمال می‌نمایند. کشوری طرف نیز می‌تواند حامی منافع کودکان در مخاصمه قلمداد شود. «در واقع، وظیفه اصلی کشور حامی «حفاظت» از منافع طرفین مخاصمه است و نظارت بر

۱. برای مثال، در گزارش دبیرکل براساس قطعنامه ۷۷ / ۵۱ مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ ضمن ارائه آمار و ارقام و بیان یک سری واقعیتها در مورد تأثیر مناقشه بر کودک، در بخش چهار به اقداماتی در جهت نگهداری و محافظت کودکان در برخورد با جنگ پرداخته شده و مسائلی از قبیل توسعه تقویت کردن سیستم‌های مفید منطقه‌ای، ایجاد راهکارهای واقعی از جمله مفهوم «کودکان هدف صلح»، ایجاد رفاه در زمان صلح برای کودک و قرار دادن آن به عنوان مسأله‌ای در برنامه‌ریزیهای پس از جنگ و گسترش راهکارهای همجواری بیان شده است. در بخش پنجم آن بر، نقش کشگران کلیدی یعنی دولتها، شورای امنیت، شورای اروپایی، سازمانهای منطقه‌ای مانند اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقایی، سازمان کنفرانس اسلامی و... تأکید شده است.

اجرای عهدنامه‌ها را به عهده دارد.<sup>۱</sup>؛ براین اساس، وظیفه حمایت از اتباع غیرنظامی طرف درگیر نیز در زمره وظایف وی قرار می‌گیرد.

پس از بیان نقش دولتهای درگیر در مناقشه یا کشورهای ثالث و اتخاذ سیاست بی طرفی، باید به بیان نهادهای بین‌المللی بپردازیم که از جمله مهمترین آنها کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد است. همان طور که گفتیم، این کمیته براساس ماده ۴۳ معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹ و وظیفه نظارت بر مفاد کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های ۲۰۰۰ آن را به عهده دارد و نقشی بسیار ارزنده، سازنده و پویا در جهت تفسیر و نظارت بر اجرای کنوانسیون ایفا می‌نماید. علاوه بر اینکه دولتها ملزمند اقداماتی را که درخصوص ماده ۳۸ معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹ اتخاذ نموده‌اند در گزارش اولیه؛ یعنی پس از دو سال از تصویب سند و بعد از آن هر پنج سال یک بار، منعکس نمایند و راهکارها، مشکلات و اطلاعات کافی را در اختیار کمیته حقوق کودک قرار دهند، این کمیته نیز با «تفاسیر عمومی آ» و «توصیه نامه‌ها»<sup>۲</sup>ی خود به تشریح وظایف دولتها درخصوص حفاظت از کودکان در جنگ می‌پردازد: برای مثال، در ۱۰ نوامبر ۱۹۹۹ در مکزیکو، کمیته نگرانی خود را درخصوص نظامی کردن کودکان و تشکیل گروههای غیرنظامی نامنظم مسلح در سرزمین دولتهای عضو اعلام کرد و بر حمایت کودکان در مقابل آثار سوئی که پیش روی آنهاست تأکید داشت و همچنین به مسأله بازپروری کودکان قربانی توجه ویژه‌ای نمود. بر همین اساس، حدود یک سال بعد رگه‌های این نوع حمایت و تفکر را در تصویب پروتکل ۲۰۰۰ به کنوانسیون حقوق کودک مشاهده می‌کنیم.<sup>۴</sup> تا اکتبر سال ۲۰۰۳ کمیته حقوق کودک ۳۴ نشست را پشت سر نهاده و در این اجلاسها به شفاف‌سازی اقدامات دولتها و نقش نظارتی خود پرداخته است.

یکی دیگر از مهمترین نهادها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که به موجب عهدنامه‌های چهارگانه، ژنو نقش کشور حامی را نیز ایفا می‌کند. این کمیته در جهت یاری به کودکان در جنگ، چهار نقش عمده ایفا می‌نماید:<sup>۵</sup>

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ص ۱۴۸.

2. General Comments

3. Recommendations

4. [http://www.un.org/humanrights/treaty\\_bodies/debase/document/concluding\\_observation-comments.html](http://www.un.org/humanrights/treaty_bodies/debase/document/concluding_observation-comments.html)

۵. براساس بیانیه رسمی مورخ ۲۳ / ۵ / ۲۰۰۰ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در ۲ سطح عملی و حقوقی برای

الف) حمایت از کودکان غیر همراه، تا جایی که امکان دارد تعیین دولت، جستجوی خویشاوندان و اتحاد مجدد خانوادگی و در سایر موارد، در جستجوی راه‌حلهای طولانی، مانند آموزش افراد ویژه و ارتقای حمایت از حق آموزش؛

ب) نظارت و بهبود شرایط بازداشت، مسأله جداسازی کودکان از نوجوانان و دختران از پسران و تا جایی که امکان دارد، افراد بازداشتی خانواده در کنار هم باشند و همچنین تلاش برای رهایی کودکان؛

ج) کمکهای غذایی و سایر مشاوره‌ها و راهنماییها حتی در شرایط اضطراری طولانی، حمل و نقل، توزیع غذا، نیازمندیهای جسمی و غذایی و غیر آن، شامل توزیع پتو، لباس و سرپناه؛

د) مراقبت پزشکی و سالم نگاه داشتن آنها، جلوگیری از امراض، کمکهای پزشکی، برنامه‌های غذایی و مقررات آب آشامیدنی.<sup>۱</sup> بر همین اساس، این نهاد در رابطه با بهداشت، آموزش، امداد رسانی، ترویج حقوق بشردوستانه، تصویب اسناد و نظارت بر حسن اجرای آنها وظایفی را به عهده دارد<sup>۲</sup> و کمیته‌ها و جمعیت‌های ملی نهضت بین‌المللی صلیب سرخ در تعامل با نهادهای دولتی و بین‌المللی به وجود آمده است، و در اغلب کشورهای اسلامی به عنوان هلال احمر مشهور است. علاوه بر نهادهای فوق، برخی از ارگانهای تخصصی ملل متحد نیز از جمله سازمان بین‌المللی کار، یونسف، یونسکو، کمیسیاریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، برنامه

---

کودکان فعالت می‌کند. در خصوص عملکرد کمیته در میدان نبرد، توجه بیشتر خود را بر روی مسائلی از قبیل حمایت از کودکان بی‌پناه، آواره و جدا شده، اعاده وحدت خانوادگی با خانواده‌هایشان، بیمه‌های صلیب سرخ، ردیابی مفقودین آزادی کودکان بازداشت شده و... در مورد فعالیتهای حقوقی بویژه مسائلی از قبیل مساعدت در توسعه حقوق بشردوستانه، نقش فعال در مذاکرات را سرلوحه فعالیتهای خویش قرار می‌دهد. کمکهای مادی، پزشکی، ترویجی از جمله دیگر اقدامات آن است.

برای اطلاعات بیشتر رک: [http://www.ICRC.org/home/focus/children in war.htm](http://www.ICRC.org/home/focus/children%20in%20war.htm).

همان منبع.

1. <http://www.icrc.org/eng/children.htm>.

۲. به علاوه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) ضمن آنکه از طریق بیانیه‌های رسمی و شرکت در جلسات و گروه‌های کاری که پیش‌نویس اسناد و قطعنامه‌ها را تهیه می‌کنند، به مسأله حمایت ویژه از کودکان توجه خاصی دارد بطوری که سرویس مشاوره کمیته و آژانس مرکزی ردیابی برای کودکان مفقود یا بی‌سرپرست اقدامات حمایتی زیادی را انجام داده‌اند. بطور نمونه تنها در ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ در سودان ۲۳ کودک، در نوامبر، ۲۶ کودک لیبریایی، در کنگو ۲۱ کودک تنها و بی‌سرپرست و در مجموع حدود ۴۲۳۶ فرد را به خانواده‌هایشان بازگردانده است:

Nick Danziger, children and war, Read cross an Red Crescent Magazine, No. 203, 2003.

جهانی غذا و...<sup>۱</sup> در قالب سازمان ملل متحد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به حمایت از کودکان در زمان جنگها و شورشهای مسلحانه پرداخته‌اند.

#### ۵. بررسی محتوای حمایت و ضمانت اجرا

پس از بیان مفاهیم اصلی و کلیدی و نیز اسناد تأیید کننده و پیشگام در جهت ارتقای حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، اینک می‌خواهیم به ارزیابی محتوای اسناد حقوقی برداریم و بدانیم که اصولاً چه نوع اقدامات و تعهداتی در مقابل آسیبهای وارده بر کودکان وجود دارد و ضمانت اجرای آنها چیست؟ همان طور که در بحث حمایت حقوقی مطرح شد، آنان از دو نوع حمایت عام و خاص بهره‌مندند که اینک به تشریح مطلب می‌پردازیم:

#### ۵-۱. حمایت عام از غیرنظامیان

اصولاً باید دانست که حقوق بشردوستانه در دو موقعیت اجراشدنی است و بر همین اساس، این حقوق دو سیستم حمایتی ارائه می‌دهد:

الف) مخاصمات مسلحانه بین‌المللی: در مناقشه‌ای که از طریق دولتها صورت می‌گیرد، کنوانسیونهای ژنو و پروتکل اول الحاقی اعمال می‌شود. حقوق بشردوستانه اصولاً برای دو طرف مخاصمه وضع شده است و از هر شخص یا گروهی که در مخاصمه شرکت نکرده‌اند یا مناقشه را ترک گفته‌اند، حمایت می‌نماید. این اشخاص عبارتند از: پرسنل نظامی مجروح یا بیمار در جنگهای زمینی و بخش خدمات پزشکی نیروهای مسلح، پرسنل نظامی مجروح یا بیمار یا کشتی شکستگان در جنگهای دریایی و در بخش خدمات پزشکی نیروهای دریایی، اسرای جنگی، جمعیت غیرنظامی از قبیل شهروندان خارجی در سرزمین دو طرف مخاصمه، مانند پناهندگان و بیگانگان، غیرنظامیان در سرزمینهای اشغالی مانند زنان و کودکان، بازداشت شدگان نظامی و غیرنظامی و پرسنل پزشکی و مذهبی یا واحدهای دفاع کشوری؛

ب) مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی: اصطلاح جنگ غیر بین‌المللی شامل «جنگ داخلی

۱. امیرساعد وکیل، سازمانها و کارگزاریهای ملل متحد و نقش آنها در ایران، چاپ اول، (تهران، مجد، ۱۳۸۳).



به معنای اخص کلمه؛ یعنی مخاصمات مسلحانه‌ای که در داخل قلمرو یک کشور روی می‌دهد، جنگ میان اعضای یک کنفدراسیون کشوری، جنگ میان اعضای یک اتحاد مشخص، جنگ میان کشور حامی و کشور تحت‌الحمايه، مبارزات مسلحانه ملل تحت استعمار علیه کشورهای منوبل، مبارزات مسلحانه علیه اشغال نظامی خارجی و بالاخره مبارزات مسلحانه علیه رژیم نژادپرست در جهت اجرای حق ملتها در تعیین سرنوشت خود<sup>۱</sup> است. در زمان یک درگیری غیر بین‌المللی ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم اعمال می‌گردد و مقررات حقوق بشردوستانه به نیروهای مسلح - اعم از منظم و یا نامنظم - که در مخاصمه شرکت کرده‌اند؛ اختصاص می‌یابد و از هر شخص یا گروهی که در مخاصمه شرکت نکرده‌اند یا مخاصمه را ترک کرده‌اند، مانند رزمندگان مجروح یا اشخاص بیماری که به دنبال جنگ از آزادی محروم شده‌اند، جمعیت غیرنظامی مانند زنان و کودکان و پرسنل پزشکی و مذهبی حمایت می‌نماید.<sup>۲</sup>

همان طوری که قبلاً بیان گردید و درخصوص حمایت‌های فنی و حقوقی، ضرورت‌هایی بیان شد، براساس ماده ۲۷ چهارمین عهدنامه ژنو «اشخاص مورد حمایت در هر مورد ذیحق به احترام شخص خود، شرافت خود، حقوق خانوادگی خود، اعتقادات و اعمال مذهبی، عادات و رسوم خود هستند. در هر زمان با آنان با انسانیت رفتار خواهد شد و از جمله در مقابل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تخویف و در مقابل دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند گردید...» پیامدهای اصل احترام به کرامت ذاتی انسان، در مواد آتی عهدنامه چهارم ژنو منعکس است به طوری که ممنوعیت هرگونه اعمال فشار جسمانی یا روانی «ماده ۳۱» ممنوعیت اذیت و آزار بدنی، شکنجه، مثله کردن و انجام آزمایش‌های پزشکی یا عملی که از نظر ضرورت‌های درمانی قابل توجیه نیست «ماده ۳۲»؛ ممنوعیت مجازات‌های دسته جمعی، چپاول، اقدامات تلافی جویانه، گروگان‌گیری آنها «ماده ۳۴»؛ در اختیار داشتن تسهیلات لازم جهت مراجعه اشخاص تحت حمایت به قدرتهای حامی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و... «ماده ۳۰»؛ تبادل اخبار و اطلاعات خانوادگی مواد «۲۵ و ۲۶» از جمله موارد حمایتی مذکور در کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ است.<sup>۳</sup> پروتکل اول ۱۹۷۷ نیز به نوبه خود حداقل حمایت‌هایی را برای کلیه افرادی که از تضمینات

۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی، همان کتاب، ص ۱۴۱.

۲. کمیته ملی حقوق بشردوستانه. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ترجمه هاجر سیاه رستمی، چاپ اول، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۲۲.

۳. کمیته ملی حقوق بشردوستانه، آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص ۱۵۶.

عهدنامه چهارم برخوردار نیستند اعطا می‌کند، مانند افراد خرابکار و جاسوس، اتباع کشورهای که به عهدنامه ملحق نشده‌اند، و اسرای جنگی بدون اینکه وضعیت مبارز را داشته باشند. از سوی دیگر ممنوعیهایی در جهت مواجه شدن با غیرنظامیان در این پروتکل وجود دارد، مانند اعمال یا تهدیدات خشونت بار که هدف اصلی آنها اشاعه ترور و وحشت میان افراد غیرنظامی باشد و حملات بدون تمایز «ماده ۵۱»؛ ایجاد قحطی و گرسنگی علیه غیرنظامیان به عنوان شیوه جنگی یا مبارزاتی «ماده ۵۴»؛ استفاده از حضور یا تحرک غیرنظامیان جهت استتار هدفهای نظامی و یا تحت پوشش قرار دادن عملیات نظامی «ماده ۵۱»؛ گروگانگیری غیرنظامیان و حملات کورکورانه. در ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون بیان گردیده است که اصول انسانیت با کسانی که در جنگ شرکت ندارند و یا نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند، مجروحین بازداشتیان و... بدون هیچ گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، جنس، اصل و نسب، ثروت و یا هر علت مشابه، باید وجود داشته باشد و اعمالی از قبیل قتل و لطمه به حیات و تمامیت بدنی و روحی، شکنجه و آزار، گروگانگیری، محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاه صالح، ممنوع است. در پروتکل دوم ۱۹۹۷ که ادامه دهنده مسیر ماده ۳ مشترک است، تضمینات بیشتری را برای افرادی که در مخاصمه مستقیماً شرکت ندارند و یا اساساً شرکت نمی‌کنند - محروم از آزادی باشند یا نباشند - در برمی‌گیرد و علاوه بر ممنوعیت شکنجه و لطمه به تمامیت جسمی و روحی انسان، مجازاتهای دسته جمعی، اعمال تروریستی، چپاول و بردگی ممنوع گردیده است. لذا درخصوص مخاصمات غیر بین‌المللی نیز حمایت از غیرنظامیان صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

علی‌رغم محدودیتها و ممنوعیهایی برای دولتها و حفظ افراد غیرنظامی و اموال آنها، در صورت مشارکت مستقیم در عملیات جنگی یا عدم امکان پیش‌بینی حمله در زمان مناسب و به طرق مؤثر، با توجه به اوضاع و احوال، افراد غیرنظامی در چتر حمایت از افراد غیرنظامی قرار نمی‌گیرند و تضمینات امنیتی خود را از دست می‌دهند که البته مسؤولیت ناقضین آن پابرجاست.

## ۵-۲. حمایت خاص از کودکان

نظر به شرایط سنی و امکان وارد شدن صدمات جسمی و روحی به کودکان، به هنگام جنگ

یا پس از آن، آنها نیازمند حمایت ویژه هستند. برای پر کردن خلأها و نیازهای کودکان در این اثنا امتیازاتی برای آنها در نظر گرفته می‌شود؛ که هدف آنها «مصون ماندن کودک از هر طریق و به هر شیوه‌ای» است. در این راستا، هرگونه اقدام تقنینی، اجرایی و قضایی چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی، اقدامات نظارتی دولتها، نهادهای حافظ صلح و امنیت بین‌المللی، ارگانهای بین‌الدولی یا غیر دولتی که منافع عالیة کودک را مورد توجه قرار دهند، مکمل یکدیگرند. برای نمونه دادرسی ویژه و عادلانه کودکان بر طبق استانداردهای حقوق بشری، حق دفاع متهم در مقابل دادگاه صلاحیتدار مستقل و بی طرف؛ بویژه زمانی که جرایم امنیتی منتسب به وی می‌باشد، اتحاد خانوادگی، اعاده به میهن، ممنوعیت بردگی، اعمال تروریستی، غارت و تهدید به ارتکاب اعمال خلاف شئون انسانی کودک، ممنوعیت کار اجباری، داشتن کارت هویت برای کودکان زیر ۱۲ سال و دارا بودن تابعیت کشوری که از آنها حمایت کند را می‌توانیم از لابه‌لای اسناد مربوط دریابیم و حتی به ضمانت اجراهای آن، از طریق تشکیل دادگاهها ویژه<sup>۱</sup> یا از طریق دیوان بین‌المللی کیفری و افرادی که متهم به ارتکاب جنایات جنگی علیه کودکان، هتک حرمت و حیثیت آن، تجاوز، کشتار دسته جمعی هستند و حتی از طریق مراجع داخلی قضایی پی ببریم. بنابراین، در این قسمت، به اهم مواردی خواهیم پرداخت که کودکان از قِبَل مخاصمه با آن دست به گریباند و برای دستیابی به زندگی عادی و روزمره خود تلاش می‌کنند این حمایت‌های خاص در برابر اثرات مخاصمه، حق مراقبت و کمک، حقوق خانوادگی، محیط فرهنگی کودک، آموزش و پرورش، حقوق شخصی، مصونیت در برابر بازداشت و توقیف، رفتار ترجیحی، حمایت از کودکان بی سرپرست و یتیم و غیره مطرح می‌شوند<sup>۲</sup> که در اینجا به مهمترین آنها اشاره خواهیم نمود:

#### ۱- ۲- ۵. ممنوعیت استفاده از کودکان به عنوان سرباز

در وهله اول، یکی از مهمترین سوء استفاده‌هایی که از کودکان، بویژه در کشورهای آفریقایی و کشورهای آمریکای جنوبی می‌شود، این است که با شرکت آنها در جنگ، آنها را به عنوان فرد

1. ad hoc

2. Denise plathner, Protection of children In International Humanitarian law, International Review of cross, No 240, 1984. p.145.

نظامی قلمداد می‌نمایند که یکی از پرخطرترین موارد سوء استفاده از کودک است، زیرا بسیاری از کودکان به زور به کار گرفته می‌شوند. آنها از مدارس و پرورشگاه‌هایشان ربوده می‌شوند، و به علت ترس و فقر، بر این باور که این تنها راه برای محافظت در مقابل خشونت است که اطرافشان وجود دارد و یا برای اطمینان از برخورداری از تغذیه، لباس و مراقبت‌های پزشکی به ارتش ملحق می‌شوند. «در درگیری‌های امروزی، کودکان نه فقط قربانیان جنگ هستند، بلکه تبدیل به خشونت و ابزارهای جنگی در طول جنگ می‌گردند، آنها را یا به عنوان سرباز به خدمت می‌گیرند و یا آنها را دزدیده و تبدیل به کودکان سرباز می‌کنند و آنها را مجبور می‌کنند که به بزرگترها احساس دشمنی و تنفر داشته باشند. برای نمونه حدود ۳۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال در ۳۰ جنگ به عنوان سرباز خیرچین، خیررسان و جاسوس شرکت کرده‌اند»<sup>۱</sup>. البته این امر دست دولت را در استناد به «دلایل امنیتی» برای بازداشت و محاکمه کودکان باز می‌گذارد و حتی حداقل تضمینات را از آنها سلب می‌نماید. براساس آمار موجود در دهه‌های اخیر، در بیش از ۲۵ کشور افراد زیر ۱۶ سال در جنگ‌ها اسلحه به دست گرفته‌اند. در سال ۱۹۸۸ به تنهایی تعداد آنها به ۲۰۰ هزار نفر رسیده است.<sup>۲</sup> یکی از علل این امر، کثرت و فراوانی سلاح‌های سبک است. کودکی که با تفنگ AK-47 ساخت شوروی و یا M-16 ساخت آمریکا، آموزش دیده است، به طور وحشتناکی قادر به مبارزه با هر کسی هست! همچنین احتمال فرار بزرگسالان بر مراتب از کودکان بیشتر است و علاوه کودکان سرباز، طلب مزد نمی‌کنند. اغلب فعالیت‌های خود را از عملیات پشتیبانی آغاز می‌کنند که معمولاً پسرها به عنوان باربر یا پیغامبر خدمت می‌کنند و دختران نیز ممکن است آشپزی و مراقبت از زخمیان را به عهده گیرند و علاوه بر آن مورد تجاوز جنسی، فحش‌های اجباری و همسر اجباری برای دیگر سربازان واقع می‌شوند. این کودکان به علت عدم آگاهی از خطرات واقعی جوانی و بی‌تجربگی در معرض تهدید هستند. عده‌ای از آنها نیز برای آبدیده

۱. گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سومین اجلاس کمیته ندرارتی درباره کودکان، ژوئن ۲۰۰۱، بند ۷، بخش دوم.

۲. خلاصه‌ای از گزارش وضعیت کودکان جهان ۱۹۹۶، یونیسف، آذر ۱۳۷۴، بخش یکم، قسمت دوم ص ۱۲؛ بر همین اساس، گزارش سازمان ائتلاف برای جلوگیری از به کارگیری کودکان در جنگ که در سال ۲۰۰۴ منتشر گردید، نشان دهنده حضور برخی از کودکان ۹ ساله در جنگ‌های طولانی است و دولت‌هایی مانند میانمار، سودان و ایالات متحده آمریکا از جمله دولت‌هایی هستند که کودکان را به کار گرفته و هر روزه به تعداد کشتگان و مجروحان و بازداشتیان آنها اضافه می‌گردد.

شدن عمداً در معرض صحنه‌های هراس‌آور و شکنجه قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>  
نکته دوم آن است که به طور کلی کودکانی که در معرض آسیبهای جنگ قرار می‌گیرند، دو دسته‌اند:

الف) کودکانی که سن آنها زیر ۷ سال است. در این باره باید گفت که گروهی از این کودکان ممکن است جان خود را از دست دهند و شماری نیز دچار سوء تغذیه، بیماری و بی سرپرستی شوند؛

ب) کودکانی بین ۷ تا ۱۵ سال هستند. خطر عمده برای این گروه شرکت آنها در جنگ به عنوان سرباز جنگی، خبررسان، جاسوس و... است. در این گروه علاوه بر خطرات جانی، رشد تربیتی و اخلاقی و معنوی آنها نیز مختل می‌شود، خلق و خوی حیوانی بر آنها تسلط می‌یابد و آینده اغلب آنها، تیره و تار است و ممکن است به جنایتکاران حرفه‌ای تبدیل شوند.<sup>۲</sup>

نکته سوم آنکه در رابطه با اسنادی که سربازگیری کودکان را ممنوع کرده‌اند، باید گفت: هر چند که حقوق عرفی پیش از تصویب پروتکل اول، استفاده از کودکان را در جنگ ممنوع می‌نمود، ولی تا سال ۱۹۷۷ و تصویب پروتکل اول، هیچ سند حقوقی وجود نداشت که سربازگیری کودکان را غیرقانونی بداند؛ حتی کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در مورد شرکت کودکان در جنگ ساکت است و راجع به استخدام و سربازگیری کودکان بحثی را ارائه ننموده است. یکی از ابتکاراتی که در سال ۱۹۷۷ مورد بحث قرار گرفت، موضوع «فراخوانی و ثبت نام کودکان در ارتش» و شرکت مستقیم آنان در جنگ بود. این موضوع در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول آمده است.<sup>۳</sup> اشکال موجود در این ماده این است که به طور قطع و جزم دولتها را از شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال منع نکرده و به اقدامات و اهتمامات دولتها بسنده ننموده است. پروتکل دوم ژنو ۱۹۷۷ در ماده ۴ خود به موضوع شرکت کودکان در جنگ توجه داشته است و

1. Report of Graca Machel; Impact of Armed Conflict on Children; published by U.N. department of public Information and UNICEF, Not 1996, p.28.

۲. حسن نیکو حرف منجم، حمایت از زنان و کودکان در حقوق بشردوستانه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۹۹.

۳. جواد امیر منصوری، تدوین پروتکل اختیاری شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، مجله سیاست خارجی، شماره ۳، سال ۱۳۸۰، گزارش، ص ۸۹۵، همچنین رک:

see also: Daniel Helle, optional on the Involment of children in Armed Conflict. *international review of Red cross*, No 839, 2000.

بیان می‌کند که: «... (ج) کودکانی که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند: نه مجاز هستند که به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و نه مجازند که در منازعات شرکت کنند.» مشابه این مواد در بند ۳ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ با همان لفظ پردازشها وجود دارد. البته، زمینه وجود عدم استفاده از کودکان در جنگ به عنوان سرباز را می‌توان در اصل ۱۹ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ دید که به کارگیری کودکان را در کارهایی که به سلامت جسمی و روانی و اخلاقی آنان آسیب می‌رساند، منع می‌نماید و چون فراخوان و ثبت نام کودک در ارتش و شرکت آنان در جنگ برای سلامت جسمی و روانی کودک زیانبار است، بر این اساس، استفاده از کودک به عنوان سرباز ممنوع است. بنابراین، اگر این اعلامیه به طور ضمنی استفاده از کودکان را در جنگ غیرقانونی می‌داند، کنوانسیون ۱۹۸۹ فراخوانی، ثبت نام و شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال را در جنگ ممنوع می‌کند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل نظراتی را در این مورد و در راستای تفسیر ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که:

«اثرات جنگ بر کودکان باید در چارچوب همه مواد کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته شود و دولتها در قلمرو حاکمیت خود باید اقداماتی اتخاذ کنند که حقوق همه کودکان در زمان جنگ تأمین گردد... و همه قوانین کنوانسیون حقوق کودک، حتی آن قوانین که مربوط به زمان جنگ نیست نیز باید رعایت شوند و دولتها در زمان جنگ باید نفع و صلاح کودک را در نظر گیرند... فراخوانی و یا ثبت نام کودکان زیر ۱۸ سال - خواه داوطلبانه و خواه اجباری - نقض قوانین بشردوستانه و جنایت جنگی محسوب می‌شود».

شایسته یادآوری است که کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های ۱۹۷۷، تعهد قطعی در غیرقانونی بودن استفاده از کودکان و استخدام آنها در نیروهای مسلح را بیان نمی‌کنند و ارزش توصیه دارند و جای سوء استفاده دولتها و نقض حقوق کودکان را باز می‌گذارند، زیرا از دولتهای عضو می‌خواهند که «اقدامات ممکن» را به عمل می‌آورند؛ به همین جهت موجد ابهام هستند و در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل ۱۹۷۷، ممنوعیت مستقیم شرکت در درگیریهای مسلحانه مطرح شده که مفهوم مخالف آن این است که استفاده غیر مستقیم از کودکان برای شرکت در جنگ امکانپذیر است و بر این اساس، طرف درگیر بر طبق منطوق این ماده می‌تواند از کودکان، در کارهایی مانند

جاسوسی و خرابکاری استفاده نماید، اما باید توجه داشت که این گونه اقدامات خطر بیشتری برای کودکان دارد، زیرا از جمله مسائل امنیتی کشور متخاصم محسوب می‌شود. با تفسیری دیگر از این متون می‌توان قایل شد که شرکت کودکان در کارهای پشتیبانی، مانند آشپزی، باربری، پیغام رسانی و... که در پشت صحنه نبرد صورت می‌گیرد، بدون اشکال است؛ که البته همگی آنها سلامتی وی مضر است.

مسئله دیگر درخصوص ماده ۷۷ پروتکل اول، جمله «از فراخواندن آنها به نیروهای مسلح اجتناب ورزند» است. در این خصوص ممکن است دولتی از کودکان در جنگ به عنوان سرباز استفاده کند و پس از آن، این ادعا را داشته باشد که کودکان را فراخوانی ننموده، بلکه آنها خود داوطلبانه به ارتش پیوسته‌اند. به همین جهت این قسمت از ماده فوق‌الذکر نیز تعهد حقوقی قطعی و جازم بر دولتها تحمیل می‌نماید و از راههای گوناگون، مانند رسانه‌های گروهی، فشار افکار عمومی و زمینه‌های فرهنگی و عقیدتی، قابل تفسیر موسع است. بنابراین، فراخوانی باید اعم از اجباری و داوطلبانه باشد و شرکت کودکان را - با هر عنوانی که باشد - باید ممنوع دانست و جنایت جنگی نامید؛ و چنانکه در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رم (۱۹۹۸) تصریح گردیده است: «بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح ملی و یا به کار گرفتن آنها برای مشارکت فعال در کارهای جنگی» جنایت جنگی تلقی شده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر ابزارهای حقوقی فوق‌الاشعار می‌توانیم به اقدامات شورای امنیت نیز در این خصوص اشاره نمائیم. بطور مثال از اکتبر ۱۹۹۹ در ۳۷ جلسه مذاکره، ۷ قطعنامه و شش بیانیه رئیس شورا، به صورت اشاره یا به تفصیل، به کودکان متأثر از جنگ توجه شده است. مصوبات سال ۱۹۹۹ حاکی از آن است که حفاظت از کودکان را به وظایف نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سیرالئون و جمهوری دموکراتیک کنگو اضافه نمود و استقرار «مشاوران ارشد به منظور حفاظت از کودکان» را در عملیات مورد اشاره تصویب نمود و در قطعنامه ۱۲۶۱ و ۱۳۱۴ برای اولین بار در فعالیتهای شورای امنیت، شاهد این هستیم که شورای امنیت موضوع کودکان متأثر از جنگ را مورد توجه قرار داد. در این قطعنامه‌ها خلع سلاح، خروج از مراکز نظامی و بازگشت مجدد کودکان به اجتماع مورد تأکید قرار گرفت و اعضای شورا، خواهان مراقبت از کلیه کودکان بویژه کودکان بی‌خانمان، آواره، ربوده شده و دختران شدند.<sup>۲</sup>

۱. حسن نیکو حرف منجم، همان منبع، ص ۱۰۳. ۲. جواد امیر منصور. همان منبع، ص ۸۹۶.

در رابطه با پیشرفتهایی که نسبت به حقوق کودکان در این زمینه صورت گرفته است، باید خاطر نشان نمود که عبارت پردازی ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک به نحو قاطعانه‌تری دولتها را ملزم می‌نماید که از «استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری کنند»، لیکن نتایج تلاشهای صورت گرفته را می‌توان تا حدی<sup>۱</sup> در تصویب پروتکل ۲۰۰۰ در مورد ممنوعیت استفاده از کودکان در مناقشات مسلحانه دید که در مقدمه و متعاقباً ماده ۱ این پروتکل چنین آمده است که: «دولتهای طرف توافقنامه، باید همه قوانین ممکن را اتخاذ کنند تا تضمین شود که اعضای نیروهای مسلح آنها که به سن ۱۸ سالگی نرسیده‌اند، در منازعات مسلحانه شرکت نکنند» و در ماده ۲ اشعار می‌دارد: «دولتهای طرف توافقنامه باید تضمین کنند که اشخاصی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند، به اجبار به نیروهای مسلح آنان احضار نگردند».<sup>۲</sup> این سند در سه محور کلی در رابطه با کودکان بیانگر اصول و مقرراتی است:

الف) سن افراد مبارزه کننده: افزایش سن کودکان از ۱۵ سال به ۱۸ سال است؛ به طوری که حداقل سن سربازگیری داوطلبانه و اجباری به نیروهای مسلح ۱۸ سال است «ماده ۱» که این خود همسویی اسناد حقوق بشری با اسناد حقوق بشردوستانه و نقطه تعامل آنها را بیان می‌کند.

ب) عدم شرکت اجباری یا داوطلبانه: دولت نباید کودکان را «به اجبار» به نیروهای مسلح خود احضار نماید. در این راستا، کشورهای عضو پروتکل، حداقل سن مجاز را باید برای استخدام داوطلبانه سربازان<sup>۳</sup> در ارتشهای ملی معین نمایند و از داوطلبانه بودن آن، به طرق مختلف اطمینان حاصل کنند.<sup>۴</sup> مثلاً وجود رضایت‌نامه از والدین یا کسب اطلاعات کافی از منابع

۱. هرچند پروتکل مزبور در همان حال که حاوی دستاوردهای جدیدی برای حمایت از کودکان است، به لحاظ حقوقی ناتمام و منشأ ابهام یا دوگانگی‌هایی به نظر می‌رسد و به نظر برخی، پروتکل اختیاری بذل تردید می‌باشد و به پیچیدگی حقوق موجود می‌افزاید و حتی پرسشهای جدیدی را نیز پیش رو آورده است: جمشید ممتاز، امیر حسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ اول (تهران، میزان، ۱۳۸۴) ص ۱۲۸.

2. <http://www.icrc.org/eng/children/operc.html>

3. Age of Soldiers

4. Voluntary Recruitment

۵. موضوع «شرکت در جنگ» در ماده ۱ و «استخدام اجباری در نیروهای مسلح» در ماده ۲ و لزوم افزایش حداقل سن برای «استخدام داوطلبانه» در ماده ۳ این سند بیانگر اهمیت و توجهی است که پیشگامان حفاظت از کودک در تدوین این پروتکل داشته‌اند. این پرچمداران، که شامل دولتهایی مانند سوئد، نروژ، پرتغال، آلمان، بلژیک، سوئیس، اتریش و کشورهای ایالات آمریکا، لائوس و سازمانهای غیردولتی فعال مانند سازمان عفو بین‌الملل «دفاع برای کودکان بین‌الملل» دیده‌بان حقوق بشر، فدراسیون بین‌المللی زمین انسانها، خدمات حقوقی آوارگان،



مورث و مصاحبه با افراد که البته در شرایط بحرانی و جنگ کار آسانی نخواهد بود. افزون بر آن، در مواردی که کمبود نیروهای نظامی احساس می‌شود، این خطر بالقوه کودکان را بیشتر تهدید می‌کند که تحت تأثیر فشار افکار عمومی یا اجبار دولت به نیروی مسلح ملحق شوند. براساس بند دوم ماده ۳ پروتکل اختیاری، هر کشوری در زمان تصویب یا الحاق اعلامیه‌ای می‌دهد و سنی را که «داوطلبانه» می‌داند، در اعلامیه بیان می‌کند و چهارچوبی برای داوطلبان قرار می‌دهد. در واقع، مواد ۲ و ۳ پروتکل اختیاری ۲۰۰۰ در مورد شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه به مسأله اجباری یا داوطلبانه بودن شرکت کودکان در نیروهای مسلح اختصاص داده شده است؛ حال آنکه معیار تشخیص داوطلبانه بودن، در اختیار کشورهاست و قاعده کلی و فراگیری وجود ندارد و نقش دولتها در این میان، تنها اطمینان از داوطلبانه بودن است.

در پروتکل مذکور، هرچند دولتها متعهد شده‌اند که افراد کمتر از هجده سال را به استخدام اجباری نیروهای مسلح در نیاورند - و همچنین این تعهد برای گروههای مسلح، غیر از قوای مسلح دولت نیز در نظر گرفته شده است - با این همه، ماده ۳ پروتکل تصریح می‌کند که ممنوعیت استخدام کودکان شامل داوطلبان خدمت در نیروهای مسلح می‌شود و نه شامل کسانی که در آموزشگاههای نظامی، زیر نظارت نیروهای مسلح در حال آموزش هستند.<sup>۱</sup>

**ج) سن کودکان در گروههای شبه نظامی:** در این سند علاوه بر دولتها، گروههای شبه نظامی، شورشی، جنبشها و... که از گروههای نظامی ملی منکف هستند، ملزم شده‌اند که افراد زیر ۱۸ سال را به استخدام نگمارند. در ماده ۴ پروتکل، در این مورد تکالیفی برای دولت و گروههای شبه نظامی غیر از قوای مسلح دولت، وضع گردیده است؛ چنانکه در بند اول آن تضعیف گروهکها و شبه نظامیان از طریق کاهش نیروهای آنان و در بند دوم، قواعد دو جانبه‌ای میان دولت و شبه نظامیان مقرر شده است. علاوه بر موارد فوق، در ماده ۶ پروتکل فوق‌الذکر به مسأله بازپروری جسمی و روحی و معافیت از خدمت سربازی، برای کودکانی که درگیر در مخاصمه مسلحانه بوده‌اند، اشاره شده است. اتخاذ اقدامات حقوقی و اداری لازم درخصوص وضع یا اصلاح قوانین مربوطه، افزایش آگاهیهای عمومی به مفاد پروتکل و ارائه گزارشهای مشخص نیز

کواکر و رادابارن در قالب «ائتلاف توقف به کارگیری سربازان خردسال» و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است.

۱. جمشید ممتاز، امیر حسین رنجبریان، همان منبع، ص ۱۲۷.

از جمله وظایف محوله به دولت‌ها در جهت اجرای ملی و بین‌المللی پروتکل است.<sup>۱</sup> ملاحظه می‌شود هر چند که قبل از تصویب این پروتکل، استخدام کودکان در نیروهای مسلح به طور کامل و مجاز ممنوع نبود و حمایت شامل کودکان زیر ۱۵ سال بود، ولی در این پروتکل «افراد زیر ۱۸ سال» - اعم از دختران و پسران - باید از نیروهای مسلح و شرکت در مخاصمه درامان بمانند و حتی در صورت شرکت آنان در عرصه نبرد، بازپروری آنان مطرح می‌شود که خود حمایتی خاص است و این ابتکار و نوآوری جدید، نتیجه تغییر دیدگاه افکار عمومی و نگرش دولت‌ها به کودکان است. به همین جهت، هر چند پیشرفتهایی در خصوص سن کودکان، اجباری یا داوطلبانه بودن شرکت آنها، کودکان درگیر در گروه‌های شبه نظامی و بازپروری آنها به وجود آمده است، ولیکن کماکان خلاها و کمبودهایی در متن مواد، بویژه در خصوص ایجاد تکلیف برای گروه‌های شبه نظامی به چشم می‌خورد. برای نمونه، طرق اطمینان دولت‌ها از داوطلبانه بودن یا کمبودهای موجود در بند دوم ماده ۴ یا تعارض میان جرم افکاری موجود در دیوان بین‌المللی کیفری، در خصوص سن سربازگیری کودکان ۱۵ سال می‌باشد که همگی از جمله این مصادیق است.<sup>۲</sup>

## ۲-۲-۵. حفظ سلامت کودکان

با ملاحظه اسناد مربوط به کودکان، حمله به سلامت جسمی و روحی کودک، منع هتک حرمت، مراقبت‌های پزشکی از قبیل مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال و اولویت در اقدامات امداد رسانی و حق مراقبت و کمک برای زندگی مجدد و بازپروری جسمی و روحی، در این اسناد به چشم می‌خورد؛ به طوری که تمام اقدامات صورت گرفته باید در جهت حفظ منافع و سلامت کودکان باشد؛ چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ و پس از آن.

تأثیر درگیری‌های مسلحانه بر کودکان، بمراتب شدیدتر از سایر مردم است؛ به طوری که هر سال هزاران کودک در جنگ کشته می‌شوند؛ که البته، بسیاری از آنها بر اثر سوء تغذیه و عدم ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی جان خود را از دست می‌دهند. بسیاری از درگیری‌های مسلحانه

1. see also: Rachel Brett, Adolescent, volunteering for Armed forces or Armed Groups, *International Review of Red cross*, No 852, 2003, p.857.

۲. مهربار داشاب، تقریرات درس حقوق کودک، کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۸.

داخلی در کشورهای فقیر جهان رخ می‌دهد؛ جایی که مردم آنها آسیب پذیری بیشتری دارند. مثلاً در جنگ سومالی بیشتر از نصف مرگ و میر کودکان در بعضی از مناطق به علت سرخچه و در برخی مناطق دیگر بر اثر اسهال بوده است. به طور کلی، جنگ آثار زیادی بر کودکان دارد؛ از جمله از دست دادن جان، صدمه و بیماری، سوء تغذیه، معلولیت، شکنجه، سوء استفاده جنسی، زندان، جدایی از خانواده، پریشانی روانی، جابه‌جایی، فقر، کمبود مواد غذایی و البسه، فروپاشی نظام آموزشی، از هم پاشیدگی برنامه واکسینواسیون، گسیختگی فرهنگی و اجتماعی و انحراف از ارزشها، پیامدهای جنگ نسبت به کودکان است.<sup>۱</sup>

حقوق بشردوستانه در زمینه ممنوعیت حمله به مکانهای غیرنظامی، بویژه بیمارستانها و تأسیسات بهداشتی و تأمین وسایل بهداشتی و پزشکی برای غیرنظامیان، بویژه کودکان و مادران باردار، در حال زایمان یا شیرده،<sup>۲</sup> تغذیه و پشتیبانی غذایی کودکان در مناطق جنگی مقرراتی دارد. چنانکه در ماده ۷۰ پروتکل ۱۹۷۷ تحت عنوان اقدامات امداد رسانی تأکید می‌کند، اشخاصی مانند خردسالان، مادران باردار، زنان شیرده و زنان در حال زایمان از رفتار ترجیحی و حمایت ویژه برخوردارند و بایستی در اولویت قرار گیرند.<sup>۳</sup> و مطابق بند ۲ ماده مذکور، طرفهای مخاصمه هر یک از طرفهای متعاقد باید عبور سریع و بی وقفه کلیه محموله‌ها، تجهیزات و کارکنان را اجازه دهند و آن را تسهیل کنند. پروتکل دوم نیز در ماده ۴ اشاره دارد که طرفین جنگ ملزم هستند تا کودکان را براساس نیازهایشان مورد حمایت و مراقبت خود قرار دهند. بعلاوه، ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «دولتهای عضو باید اقدامات مناسب را به منظور پیشرفت بهبود جسمی و روانی کودکانی که قربانی درگیری مسلحانه بوده‌اند، به عمل آورند.» اسناد حقوق بشری بر حق داشتن خوراک، مسکن، مراقبتهای پزشکی و خدمات اجتماعی تأکید دارند؛ از جمله ماده ۲۵ اعلامیه جهانی بشر ۱۹۴۸ و اصل ۱۸ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ بیان

1. Report of Graca Machel, *Ibid*, p.27.

۲. ر.ک: ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، بند ۱ ماده ۵۹، پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو.

۳. ماده ۷۰ پروتکل اول ۱۹۷۷: «۱ - چنانچه سکنه غیرنظامی هر سرزمینی غیر از سرزمینهای اشغال شده که در کنترل یکی از طرفهای مخاصمه است، از لحاظ تدارکات مذکور در ماده ۶۹ به اندازه کافی تأمین نباشند، اقدامات امداد رسانی که جنبه انسان دوستانه و بی طرفانه و عاری از هرگونه تبعیض باشد، با موافقت طرفهای ذیربط در چنین اقدامات امداد رسانی اعمال خواهد شد... در توزیع محموله‌های امدادی، اشخاصی مانند خردسالان، مادران باردار، زنان در حال زایمان، مادران شیرده... در اولویت قرار خواهند گرفت... ۴ - طرفهای مخاصمه باید محموله‌های امدادی را مورد حمایت قرار داده و توزیع سریع آنها را تسهیل کنند.»

می‌دارند کودک، باید در همه شرایط اولین کسی باشد که مورد حمایت قرار می‌گیرد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رم در ماده ۸ خود، تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تأسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه به کار گرفته می‌شود و همچنین تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان و جلوگیری خودسرانه را از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو، جنایت جنگی تلقی می‌نماید.

تاکنون آنچه مورد بررسی واقع شد، آسیب‌های جسمی کودکان در زمان جنگ بود، در حالی که آسیب‌ها تأثیرات روحی و روانی جنگ بر کودکان اغلب شدیدتر از آسیب‌های جسمی بوده و درد و رنجی که یک کودک از نظر روحی تجربه می‌کند، بیشتر است. کودکی که والدین خود را از دست می‌دهد، غم و رنج شدیدی بر وی چیره می‌شود و در صورتی که خود شاهد کشته شدن آنها باشد، این تألم چندین برابر می‌شود. بنابراین، زمانی که کودکان ای غم و اندوه را در زمان جنگ تجربه می‌کنند یا فکر جدایی از خانواده خود را همیشه به یاد دارند، اندوه آنها شدیدتر می‌شود. اسناد و قوانین بشردوستانه نیازهای روحی و روانی کودکان را مانند نیازهای جسمی مورد توجه قرار داده‌اند؛ از جمله این اسناد پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو است که در ماده ۷۷ بند ۱ آن چنین آمده است: «کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیرمحرمانه حمایت شوند. طرف‌های خصامه باید مراقبت و کمکی را که کودکان - خواه به علت سن و یا به علت دیگری به آن نیاز دارند، برای آنها فراهم نمایند؛ چنانکه اصول ۲ و ۵ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ به تأمین نیازهای روانی کودکان تأکید دارد، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز در مواد ۳۸ و ۳۹ خود راجع به نیازهای روانی کودک بحث نموده است. ماده ۷ پروتکل ۲۰۰۰ نیز در زمینه بازگشت مجدد قربانیان به جامعه و کمک‌های فنی و مالی به کودکان، تشویقها و الزاماتی برای دولت‌ها دربردارد. به هر حال، تجربه نشان داده است که با پشتیبانی غذایی و برقراری امنیت می‌توان کاری کرد که کودکان سلامتی و بهبودی روانی خود را بتدریج به دست آورند و بتوانند زندگی عادی خود را آغاز کنند. در همه این مراحل باید اقداماتی در اولویت قرار گیرند که نیازهای روانی آنها را تأمین کنند. مثلاً به خانواده‌هایی که از هم جدا شده‌اند، با توجه به «اصل وحدت خانوادگی» به هم پیوندند و یا گروه‌های اضطراری بهداشت باید شامل پزشک اطفال و مجهز به مراقبت‌های بهداشتی برای نوجوانان باشند. مراقبت روانی - اجتماعی کودکان بایستی با

استفاده از منابع اجتماعی مانند حمایت و کمک افراد خانواده، معلمین مدرسه و دیگر مددکاران اجتماعی، برای حمایت دراز مدت از کودکی که به آن نیازمند است، انجام گیرد.<sup>۱</sup>

مسئله دیگر در مورد وضعیت کودکان در جنگ، مسئله خشونت جنسی علیه کودکان است، و این خشونت به مانند زنان بزرگسال از موضوعاتی است که کودکان را آزار می‌دهد: هر چند پسران نیز از خشونت جنسی در امان نیستند ولی بیشتر این خشونت‌ها علی‌الدختران نوجوان انجام می‌گیرد. گسیختگی خانواده و جامعه زمان جنگ، میزان آسیب‌پذیری دختران را افزایش می‌دهد.<sup>۲</sup> به طور کلی، می‌توان اقدامات ذیل را جهت کاهش آسیب‌های کودکان در زمان جنگ ارائه نمود:

الف) اقدام سریع کشورها جهت الحاق به کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های آن و ورود مفاد آنها در قوانین داخلی، در نتیجه الزام به تعهدات بین‌المللی؛

ب) تأمین نیازهای کودک با توجه به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹؛

ج) دخالت جامعه جهانی لازم است، زیرا حمایت از کودکان از جمله موضوعاتی است که کل جامعه جهانی در برابر آن مسئولیت دارند و موضوع آن تمامیت انسان است؛ بنابراین، در اختیار یک دولت نیست.

د) تعقیب مجرمان و جنایتکاران نسبت به کودکان؛

ه) نقش فعال کمیته حقوق کودک در ارتقای حقوق کودکان؛

و) آموزش و پرورش کودکان در زمان جنگ: هر چند مدارس در طول جنگ ممکن است تعطیل شوند، ولی باید دانست که برپایی نظام آموزشی در شرایط اضطراری جنگ می‌تواند نوعی احساس امنیت در کودکان به وجود آورد و نیازهای روحی، روانی و عاطفی آنها را تا حدی برطرف نموده، باعث شود که آنها کمتر به مصایب جنگ فکر کنند. از طرفی، مشغول نمودن کودکان در مدارس از ورود آنها در جنگ و بزهکاری آنها می‌کاهد.

اسناد حقوق بشری نیز بصراحت بر برخورداری کودکان از آموزش و پرورش در هر شرایطی تأکید دارند؛ چنانکه در بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بر رایگان و اجباری بودن آن نیز تأکید شده است. در پروتکل دوم کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز در ماده ۴ از برخورداری

۱. حسن نیکو حرف مفخم، ص ۱۰۵.

۲. جولی مرتوس، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، ص ۲۰۵.

کودکان از خدمات آموزشی، مذهبی و اخلاقی سخن به میان آمده است. حقوق بشر دوستانه نیز از طرفین درگیر در جنگ می‌خواهد که از آسیب رساندن به مکانهای آموزشی خودداری نمایند «ماده ۵۳ پروتکل اول ۱۹۷۷»، و اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی در مادهٔ ۸ هدف قرار دادن ساختمانهای آموزشی، هنری، علمی و خیریه را جرم جنگی تلقی نموده است. نقش معلمان در ترویج حقوق بشر، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی کودکان، آموزش مسائل بهداشتی، آگاهی از خطر مینهای زمینی و گلوله‌های منفجر نشده بسیار برجسته و بارز است.

ز) ممنوعیت استفاده از مینهای ضد نفر: هم در زمان جنگ و هم پس از آن، کودکان در معرض این خطر قرار دارند. «در کرهٔ زمین حدود یکصد و ده میلیون مین در ۶۸ کشور درون خاک کار گذاشته شده است که انتظار قربانیان را می‌کشند. علاوه بر این مینها، میلیونها قطعهٔ منفجر نشدهٔ مهمات، بمبها، پوسته‌ها و نارنجکهای عمل نکرده نیز وجود دارند. بنابراین، این مینها و مواد منفجره خطرانی بی‌صدا هستند و پیوسته، حتی پس از چند دهه تلفات زیادی برای غیرنظامیان دربردارند. کودکان در این میان، از آنجا که کنجکاو بوده یا برای کار به مزرعه می‌روند یا برای چرای حیوانات به بیابان می‌روند، این مواد را لمس می‌کنند و در نتیجه، باعث انفجار آنها می‌شود، هر چند که علایم هشدار دهنده نیز باشد. برای حمایت از کودکان در برابر خطرات مینهای زمینی، باید درخصوص توقف تولید مینهای زمینی، پاکسازی مینهایی که روی زمین کار گذاشته شده است، اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور آگاه سازی مردم بویژه کودکان از مین و مین و کمک به کودکانی که در اثر انفجار مین مجروح یا معلول شده‌اند، فعالیتهایی صورت پذیرد: جامعهٔ جهانی نیز از اوایل دههٔ هشتاد، فعالیتهایی جهت ممنوعیت استفاده از مینهای ضد نفر آغاز کرد. برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۸۱، محدودیت استفاده از برخی سلاحهای متعارف مطرح شد و پروتکل دوم این کنوانسیون به طور کلی به مینهای زمینی اختصاص یافت. مینهای زمینی انواع متعددی مانند مین ضد تانک، مین ضد خودرو و مین ضد نفر دارد. با توجه به آمار زیاد تلفات انسانی بر اثر مینهای ضد نفر، جامعهٔ جهانی از سال ۱۹۹۲ یک مبارزهٔ بین‌المللی را برای توقف استفاده از مینهای ضد نفر آغاز نمود و با تلاشهای کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ، معاهده‌ای با نام کنوانسیون ممنوعیت تولید، استفاده، ذخیره و انتقال مینهای ضد نفر پس از تصویب ۴۰ کشور در تاریخ اول مارس ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا گردید که عموماً مواد آن در مورد توقف تولید، استفاده، ذخیره و فروش آنهاست و بحث پاکسازی آنها

را مطرح می‌کند. همچنین کشورهای عضو موظف هستند که آمار کامل مینهای ضدنفر ذخیره شده خود را به کمیته حقوق کودک گزارش نمایند و این کمیته در صورت شک و ظن می‌تواند هیأت حقیقت یاب به آن کشور اعزام کند. کشورهای عضو نیز متعهد می‌شوند تا گزارشی از اقدامات انجام شده خود در خصوص قانونگذاری داخلی را به کمیته حقوق کودک اعلام نمایند.<sup>۱</sup>

با توجه به مجموع مطالبی که در سطور فوق بیان گردید، حمایت خاص از کودکان بر اساس مقررات حقوق بشردوستانه در قالب حفظ سلامتی آنها بدین قرار است که سلامت جسمی و روحی، حفظ تمامیت و احترام به عنوان فرد انسانی قبل، در خلال و بعد از جنگ باید مورد توجه قرار گیرد و کوچکترین خدشه‌ای به سلامت آنها وارد نگردد. در این راستا، اولاً کودکان باید از خشونت، سوء استفاده‌های جنسی، شکنجه و... مصون باشند، ثانیاً در صورت نیاز به مراقبت و خدمات پزشکی در اقدامات امداد رسانی در اولویت باشند و بیمارستانها، پرورشگاهها و پزشکان اختصاصی اطفال در دسترس آنها قرار گیرد و ثالثاً بنا به هر دلیلی که کودکی دچار مخاطره یا بیماری جسمی و روحی قرار گرفت، زمینه‌های بازگشت به خانواده، جامعه و زندگی عادی برایش فراهم گردد، حقوق آموزشی و فرهنگی وی حتی در دوران جنگ نیز ثابت و برقرار باشد و تمام تلاشها در جهت بازپروری جسمی و روحی وی صورت گیرد «مواد ۶ و ۷ پروتکل ۲۰۰۰ کنوانسیون حقوق کودک».

### ۳-۲-۵. حفظ امنیت کودکان

در رابطه با امنیت فردی و اجتماعی کودکان باید بیان داشت که کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های آن درخصوص ممنوعیت بازداشت و توقیف کودکان، ممنوعیت حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، انتقال کودکان و اعاده به میهن و تخلیه آنان و ایجاد مناطق امنیتی در خلال جنگ حاوی مقرراتی هستند:

۱- ۳-۲-۵. ممنوعیت بازداشت کودکان و آزادی از توقیف: اصل کلی بر این است که نباید کودک را بازداشت یا توقیف نمود، لیکن در ماده ۸۲ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو، سخن از

۱. نیکو حرف مفخم: ص ۱۱۷؛ برگرفته شده از گزارش خانم ماشل در خصوص تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان ۱۹۹۶.

دسته‌بندی بازداشتیان به میان آمده است که بر حسب زبان، ملیت و رسوم طبقه‌بندی می‌شوند و اینکه اعضای یک خانواده در مدت بازداشت با هم مجتمع خواهند شد، مگر اینکه به علت مقتضیات کار یا سلامت مزاح یا اجرای مقررات، جدایی موقتی ضرورت یابد. به بیان دیگر، با ملاحظه اسناد مربوطه می‌توان گفت که: حمایت از ممنوعیت بازداشت کودکان در حقوق بشر دوستانه دواستثنای کلی دارد: الف) رعایت اصل وحدت خانوادگی؛ ب) وجود دلایل امنیتی. در پروتکل اول بند ۲ ماده ۷۷ پاراگراف چهارم آمده است: «هرگاه کودکان به دلایل مربوط به مخاصمه دستگیر یا بازداشت شده یا تحت نظر قرار گیرند، باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند...» بنابراین، اصولاً نباید کودکان را توقیف، حبس یا زندانی نمود، ولی در صورتی که کودکان ویژگی غیرنظامی بودن خود را از دست بدهند یا برای اصل وحدت خانوادگی یا دلایل امنیتی می‌توان آنها را توقیف یا حبس نمود؛ البته به شرطی که از بزرگسالان مجزا باشند.<sup>۱</sup>

علاوه بر آن، در ماده ۷۶ کنوانسیون چهارم ژنو که در مورد اراضی اشغالی است، بیان گردیده است که کودکان تحت رژیم مخصوص برای بازداشت هستند که برای آنها تعیین شده است. در ماده ۸۸ آن در مورد جیره غذایی بازداشتیان زنانه تازه‌زا و باردار و اطفال کمتر از ۱۵ سال بیان شده است که آنها اضافه غذایی متناسب با احتیاجات جسمانی خود را دریافت خواهند نمود و در مورد آزادی از بازداشت، در ماده ۱۳۲ آمده است که دولت‌ها سعی خواهند نمود با انعقاد موافقتنامه‌هایی برای آزادی و اعاده به میهن بازداشتیان، بویژه اطفال و زنان باردار و مادران شیرخوار و اطفال کوچک، بازگشت و آزادی آنها را تسهیل نمایند.

۲ - ۳ - ۲ - ۵. ممنوعیت حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال: یکی دیگر از فصول مشترک حقوق بشر و بشر دوستانه در مورد کودکان، ممنوعیت حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال است؛ به طوری که هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۶ بند پنجم صراحتاً بیان گردیده است و هم در کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ «ماده ۶۸» و علاوه بر آن، در پروتکل اول ۱۹۷۷ «بند پنجم ماده ۷۷» و در بند چهارم ماده ۶ پروتکل دوم ۱۹۷۷، مواد مشابهی وجود دارد

1. Denise Platter; Protection of Children in Humanitarian Law, International Review of the Red Cross, May-June 1984, p.9 also, see: Franco Bugnion; The International Committee of Red Cross and the Protection of War Victims; first published, 2003, Macmillan publishers Limited, 2003, p 545.



که همگی حاکی از ممنوعیت صدور حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال است. بنابراین، کودکان چه جرایم جنگی مرتکب شوند و چه جرایم غیر جنگی، یا به دلایل امنیتی نباید به مجازات اعدام محکوم شوند و به طور کلی کودکان زیر ۱۸ سال از صدور حکم اعدام معافند، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ.

۳-۳-۲-۵. انتقال، اعاده به میهن، تخلیه و ایجاد مناطق امنیتی در خلال جنگ: برای رعایت هر چه بیشتر حقوق کودکان در طول جنگ و پس از آن، دولتها با کمک صلیب سرخ و دیگر نهادهای ذی ربط اقداماتی را برای کودکان در جهت حفظ کانون خانوادگی و بازگشت به اجتماع اولیه خودشان انجام می‌دهند. مواد ۲۴، ۲۵ و ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مؤید این مطلب است، بعلاوه، در ماده ۷۸ پروتکل اول مقررات نقل و انتقال کودک نیز بیان گردیده است. هدف از این نقل و انتقالات حفظ وحدت خانوادگی کودک، کمک به حفظ سلامت جسمی و روحی وی و در امان ماندن از آثار جنگ است که هم در زمره حقوق شخصی کودکان قرار می‌گیرند و هم حفظ امنیت و سلامتی کودک.

#### ۴-۲-۵. کودکان پناهنده

درگیریهای مسلحانه معمولاً جابه‌جایی مردم غیر نظامی را به دنبال دارد و کودکان به همراه والدین خود، به کشورهای همسایه یا نواحی همجوار مهاجرت می‌کنند. این کودکان در یک زمان بحرانی و آسیب‌پذیر در طول زندگی خود به سر می‌برند؛ در معرض خطرات جانی قرار دارند، حملات ناگهانی گروههای نظامی، بمباران هوایی، انفجار مینها، کمبود غذا و آب آنان را تهدید می‌کند و منجر به سوء تغذیه و بیماری آنها می‌شود. پناهندگان عمدتاً افرادی هستند که بنا به ترس موجه مربوط به نژاد، مذهب، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا داشتن نظرات سیاسی، کشور زادگاه خویش را ترک می‌گویند. «ماده ۱ کنوانسیون ژنو ۱۹۵۹ در مورد وضعیت پناهندگان»، ولیکن آوارگان کسانی هستند که برای گریختن از آزار و اذیت خانه‌هایشان را ترک می‌گویند، اما در وطن خویش می‌مانند.<sup>۱</sup> از جمله آثار مستقیم جنگ بر غیر نظامیان، بویژه کودکان مسأله آوارگی جنگی و پناهندگی آنهاست که در این مورد کمیساریای عالی ملل متحد در امور

پناهندگان<sup>۱</sup> مهمترین نهاد نظارتی است و امداد رسانی به آنها را به عهده دارد و با تعامل با سایر نهادها در جهت انتقال، اسکان مجدد، ادغام در جامعه محلی و بازگشت به میهن گام می‌نهد.<sup>۲</sup> در رابطه با شمول عنوان پناهندگی به کودکان باید گفت که هر چند کنوانسیون ۱۹۵۹ ژنو در این زمینه سکوت کرده است و به طور اطلاق از پناهندگی سخن گفته است، ولی دو معیار در این سند برای پناهندگی به چشم می‌خورد:

الف) ترس موجه و اینکه کودکان به علت وجود ترس موجه از تعقیب و آزار و شکنجه به کشور دیگر پناهنده گردند؛

ب) اصل وحدت خانواده که براساس آن اعطای پناهندگی والدین به رئیس با سرپرست خانواده به دیگر اعضای آن اعم از مردم و زن، دختر و پسر - نیز سرایت می‌کند و در نتیجه، وضعیت پناهندگی والدین به کودکان منتقل می‌شود.<sup>۳</sup> اعمال این اصل در صورتی که کودکان همراه با والدین خود باشند، مشکلی به وجود نمی‌آورد. مشکل زمانی است که کودک همراه والدین خود نباشد که در این زمینه کنوانسیون سکوت می‌کند. کودکان پناهنده و آوار علی‌الخصوص زمانی که همراه والدین خود نباشند، صدمات بیشتری را شاهد هستند که البته این امر نسبت به دختران پناهنده به مراتب بیشتر است. به عبارت دیگر، مسائل بهداشتی و مراقبتهای درمانی، اعمال آموزشی و فرهنگی، حملات کورکورانه به اماکن غیرنظامی مخصوصاً اردوگاههای پناهندگان خطرناک هستند که همه کودکان را تهدید می‌کنند. در این میان پسران به سربازگیری اجباری گماشته می‌شوند، ولی دختران خشونت‌های بیشتری را تحمیل می‌کنند: افسردگی، ناامیدی و احساس بدبختی، شکاف در ارتباطهای انسانی، خصومت، خشونت و تبعیض در کشور میزبان یا منطقه میزبان، فقدان مصونیت از خشونت و انواع دیگر بدرفتاری و استثمار، ناتوانی در پیدا کردن کار، تغییر در روابط خانوادگی، سوء استفاده جنسی و ضرب و شتم جنسی از جمله موضوعاتی است که تمامیت جسمی و روحی کودکان پناهنده را تهدید می‌نماید.<sup>۴</sup>

در رابطه با حمایت‌هایی که از کودکان پناهنده به عمل آید، علاوه بر ماده ۱۴ اعلامیه جهانی

1. UNHCR: United Nation High Commissioner for Refugees.

۲. امیرساعد وکیل، همان منبع، ص ۷۸.

۳. اردشیر امیراجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ص ۴۵۳.

۴. جولئی مرتوس، ص ۲۹۵.

حقوق بشر،<sup>۱</sup> ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز مسأله حمایت از کودکان را - چه همراه والدین خود باشند و چه غیر همراه - مطرح می‌نماید و آنها را محق به حمایت‌های بشردوستانه می‌داند. به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده، انتقال آنها به نواحی امن و عاری از جنگ، بهداشت و مراقبت‌های پزشکی، حق دریافت کمک‌های انسان دوستانه از طریق منابع ملی یا بین‌المللی، وجود مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال، ممنوعیت اشتغال کودکان پناهنده، بویژه در استخدام درآوردن آنها توسط نیروهای مسلح، از محتوای کنوانسیون چهارم (مواد ۲۴ و ۲۵) و مسأله حمایت از کودکان آواره و پناهنده نیز از پروتکل اول به دست می‌آید. علاوه بر مطالب فوق، کودکان باید تحت تعلیم و تربیت و رفتار مشابه اتباع کشور پذیرنده قرار گیرند و به سطح رضایت بخشی از آموزش دست یابند، و برنامه‌های آموزشی، تفریحی، علمی و فرهنگی در اردوگاهها لازم است به علت وجود تفاوت فرهنگی میان مردم محلی کشور پناهنده‌پذیر یا پناهندگان، محیط اجتماعی باید زمینه مناسب را برای اعمال مذهبی و فرهنگی آنها فراهم کند و تبعیض علیه مردم آواره صورت نگیرد. در رابطه با کودکان پناهنده غیر همراه نیز باید بیان داشت که جدایی کودکان از والدین به صورت موقت یا دائم، از بزرگترین معضلات کودکان پناهنده و آواره است. بنابراین، بیشترین توجه جامعه بین‌المللی در مورد کودکان غیر همراه، شناسایی و پیوستن آنها به خانواده‌هایشان<sup>۲</sup> است که در زمینه تسهیل جستجوهای دولت و برقراری تماس با اعضای خانواده کودکان است. در سطح بین‌المللی، وظیفه اصلی بازگرداندن کودکان غیر همراه به خانواده‌هایشان به عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان است که کمیته این مسؤولیت را توسط «سرویس تجسس» خود انجام می‌دهد. کمیته حقوق کودک در قطعنامه ۲۴ خود اشعار می‌دارد: «کلیه اقدامات لازم جهت یافتن والدین و یا سایر خویشاوندان نزدیک کودکان توسط سرویس تجسس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صورت می‌گیرد.»<sup>۳</sup>

۱. ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: «۱ - هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهمگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند...»  
۲. رک: مواد ۲۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و ۷۴ پروتکل اول ۱۹۷۷.  
۳. نیکو حرف مفخم، ص ۱۲۷.

## نتیجه‌گیری

بدون شک، یکی از ضرورت‌هایی که درخصوص رعایت حقوق کودک مطرح می‌شود، ضرورت مصون ماندن کودکان از خطرات و بلایای جنگ است؛ اصلی که امروزه افکار عمومی آن را تأیید می‌کند، برای آن ضمانت اجرا قایل می‌شود و هتک حرمت و کرامت انسانی کودک را نه تنها تقبیح می‌کند، بلکه آن را «جرم جنگی» نیز تلقی می‌نماید. بازتاب حمایت از کودکان را قبل، حین و پس از مخاصمه، امروزه در اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه شاهدیم؛ نتیجه‌ای که تاکنون به آسانی به دست نیامده و میلیون‌ها قربانی در طول تاریخ بشریت از خود به جای گذاشته است. واقعیات دنیای جنگی، حاکی از آن است که ۹۰ درصد قربانیان را غیرنظامیان، بویژه کودکان تشکیل می‌دهند و خطرات جانی، هتک حرمت و حیثیت، ضرب و شتم جنسی، استفاده از آنها به عنوان سرباز، از هم گسیختگی خانوادگی، معلولیت، سوء تغذیه و بیماری، آوارگی، محرومیت از آموزش و پرورش، عدم امنیت و ثبات و... آنان را تهدید می‌کند. در مقابله با این وضعیتها، حقوق حمایتی ناشی از کنوانسیونهای چهارگانهٔ ژنو ۱۹۴۹، بویژه کنوانسیون چهارم در مورد حمایت از افراد غیر نظامی و دو پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به چهار کنوانسیون ژنو، همراه با قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی در کنار اسناد حقوق بشری، مانند معاهدهٔ حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل ۲۰۰۰ الحاقی به آن درخصوص شرکت کودکان در جنگ، به وجود آمده است که ریشه در عرف دوانیده است. نقض این قواعد، امروزه موجب مسؤلیت می‌شود و در آن قسمت که جرم جنگی نامیده شده است، مسؤلیت کیفری فردی رخ می‌نماید.

در این میان، نباید نقش مهم سازمانهای غیر دولتی مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و نهادهای ملی صلیب سرخ و هلال احمر نهادهای نظارتی مانند کمیتهٔ حقوق کودک، شورای امنیت و نهادهای امدادی را در توسعه، تحول و ترویج حقوق کودکان نادیده انگاشت، چرا که هر کدام به نوبهٔ خود بیانگر اقداماتی هستند که تاکنون در جهت حفظ و ارتقای حقوق کودکان در مخاصمات انجام گرفته است. در پایان، باید همواره توجه کنیم که همان گونه که کودک در زمان صلح نیاز به امتیازات ویژه‌ای جهت رشد شخصیت و رفاه فردی و اجتماعی خود دارد، همان گونه نیز - و حتی بیشتر از آن - در زمان بحران این نیاز و ضرورت وجود دارد که وی را حمایت نماییم و حتی با طبقه‌بندی کودکان آسیب‌پذیرتر، از قبیل معلولان، مجروحان، دختران، نوزادان، و

بی سرپرستان و توجه شدید به آنها، شرایط بهتر زندگی را برای آنها فراهم کنیم.

### فهرست منابع

- فارسی

- کتب:

- امیر ارجمند، اردشیر: مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج اول، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۱.

- روسو، شارل: حقوق مخاصمات مسلحانه، مترجم سید علی هنجنی، ج اول، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران ۱۳۶۹.

- شریفی طراز کوهی، حسین: مجموعه مقالات حقوق جنگ، ج اول «تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۵»

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا: حقوق جنگ، ج دوم «تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰».

- عبادی، شیرین: حقوق کودک، ج چهارم، «کانون، تهران ۱۳۷۵»

- کمیته ملی حقوق بشردوستانه: آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ج اول، «جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۱»

- کمیته ملی حقوق بشردوستانه: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه هاجر سیاه رستمی، ج اول «امیرکبیر، تهران ۱۳۸۱»

- کمیته ملی حقوق بشردوستانه: بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ج اول، «تهران، سرسم، ۱۳۸۲»

- مرتوس، جولی: آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، مترجم فریبرز مجیدی، ج اول، «دنیای مادر، تهران، ۱۳۶۹»

- وکیل، امیرساعتد: سازمانها و کارگزاریهای ملل متحد و نقش آنها در ایران، ج اول، «مجد، تهران ۱۳۸۳»

- مقالات:

- امیرمنصور، جواد، تدوین پروتکل اختیاری شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، گزارش،

سیاست خارجی، شماره ۳ سال ۸۰

- توسلی نائینی منوچهر: «جنگ و حقوق کودکان آواره و بی سرپرست»، ندای صادق، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۲.

- گزارشها:

- خلاصه‌ای از گزارش وضعیت کودکان جهان ۱۹۹۶، یونیسف، آذر ۱۳۷۴.

- وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۰، یونیسف، دی ماه ۱۳۷۸.

- وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۲، مترجم هادی غبرائی، انتشارات یونیسف، ۱۳۸۱.

- کودکان و خشونت، انتشارات یونیسف، مرکز بین‌المللی رشد کودک، گزارش، ۱۳۷۵.

- گزارشی که براساس بخش دوم قطعنامه ۵۱/۷۷ مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی تهیه و تنظیم گردیده است که درخصوص جنگ و کودکان و تأثیراتی است که جنگ بر موقعیت کودکان می‌گذارد.

- گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سومین اجلاس کمیته تدارکاتی درباره کودکان، ژوئن ۲۰۰۱.

- برنامه اقدام برای پیشگیری، مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاحهای سبک در همه جنبه‌های آن، مصوب کنفرانس ملل متحد، نیویورک، ۲۰ - ۹ ژوئیه ۲۰۰۱، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.

- سایر منابع:

- نیکو حرف مفخم، حسن: حمایت از زنان و کودکان در حقوق بشر دوستانه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

- کودکان در جنگ، مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی با نماینده ویژه‌ی سازمان ملل متحد، مترجم مهراں داودی، و هومن، ۱۳۷۸ / ۴ / ۶.

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، تقریرات درس حقوق بشر دوستانه و مسؤلیت بین‌المللی در قبال نقض آن، کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، پائیز ۱۳۸۲.

- داشاب مهریار، تقریرات درس حقوق کودک، کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، بهار ۱۳۸۲.

- Denise Plattner; Protection of Children In International Humanitarian Law; *International Review of The Red Cross*-May-June No.240. 1984.
- Maria Teresa Dutli; Captured Child Combatants; *International Review of The Red Cross*, September-October 1990.
- Sondra Singer; The Protection of Children During Armed Conflict Situation; *International Review of The Red Cross*, May-June 1986.
- *Impact of Armed Conflict on Children*, Report of Graça Machel, published by the U.N. Department of public Information and unicef, op. cit., Not. 1996.
- Francois Bagnion; *The international Committee of Red Cross and Protection of war Victims*; First published, First published, Macmillan publishers limited, 2003.
- Nick Danziger, *Children and war*, Red cross and red crescent magazine, No. 203, 2003.
- <http://www.un.org/humanrights/treaties/Bodiesdebase/document/GeneralCommentcre.html>
- <http://www.unh.ch/html/menu2/6/cre>
- <http://www.unh.ch/html/menu2/6/opcre2000>
- <http://www.icrc.org/eng/home/focus/childreninwar.html>